

ارگان مرکزی سازمان انقلابی

تک شماره ۱۰ ریال

تظاهرات میلیونی جمعه

کردستان: نه سازش با ضدانقلاب، نه ستم بر خلق کرد تکیه به مردم، سرکوب ضدانقلاب

مدت چند هفته است که مذاکرات سیاسی میان دولت مرکزی و عناصر سیاسی و مذهبی کرد در جریان است. گرچه تاکنون اطلاعات دقیقی از چگونگی این مذاکرات منتشر نشده است، اما بنظر میرسد که عناصری در دولت مبلغ سازش با دار و دسته قاسطو برای "خواباندن غائله" هستند.

از طرف دیگر عناصر نظامی منطقه هم طی اعلامیه‌هایی به روش سنتی خویش، روش سرکوب بدون تمایز را تجویز کرده و به روستائیان منطقه اخطار می‌دهند و آنها را تهدید میکنند.

در این میان دار و دسته کمیته مرکزی حزب توده هم پرچم آتش بس و مذاکره با ضد انقلاب وابسته به امیرالیستهای روسیه را بقیه در صفحه ۲

کارگران پالایشگاه آبادان و وزیر نفت

در صفحه ۳

آمریکا، شوروی مرگ به نیرنگتان خون شهیدان ما، میچکد از چنگتان



تظاهرات جمعه علاوه بر اینها دارای ویژگی های خاص خود نیز بود. حرکتی میلیونی بود که پرچم روشن ضد دوا بر قدرت آمریکا و شوروی را داشت که در شعار های " آمریکا، شوروی ننگ به نیرنگتان - خون شهیدان ما می چکد از چنگتان " و " انقلاب، انقلاب هرگز وقفه ندارد - آمریکا، شوروی فتح و ظفر ندارد "، به خوبی متجلی می شد. این شعارها نمایانگر ماهیت مستقل و ضد امیرالیستی انقلاب ما، نمایانگر عشق میلیونها نفر از خلقهای ما به استقلال ملی، نشانه نفرت آنان از ابرقدرت های جهانخوار بود. مشت محکمی بود بر دهان عمال بومی این دوا بر قدرت، هشدار بود بر همه مدارا جویمان و سازشکاران با آمریکا یا شوروی که بخود آیند، خود را اصلاح کنند، به مردم اعتماد داشته باشند، از ابر قدرتها نترسند و در مسیر انقلاب قرار گیرند

بقیه در صفحه ۶

چه عالیست وقتی که میلیونها نفر از مردم در صفوف فشرده و متحد به میدان می آیند، قدرت عظیم خود را به نمایش می گذارند، به دفاع از انقلاب خود برمی خیزند، امیرالیسم، صهیونیسم، دوا بر قدرت جهانخوار آمریکا و شوروی را افشاء و محکوم می کنند، از رهبری انقلاب قاطعانه حمایت می کنند و مشت محکمی به دهان یاوه گوی دشمنان انقلاب می کوبند. این به راستی عالیست و نمونه خوب دمکراسی برای مردم است و از این روست که دمکرات های کاذب و چپ نماها یا به درون خانه ها می خزند، یا از حاشیه نق و نق میزنند و یا دندان بهم می ساینند. این هم عالیست! تظاهرات میلیونی مردم در سراسر کشور در دفاع از انقلاب و حمایت از رهبری امام خمینی نمایشی پر شکوه از جنبش انقلابی مردم، زنده بودن و حرکت داشتن آن بود.

جنبش های مطالباتی مردم بر حق اند

حال سؤال این است که ماهیت این جنبشها چیست؟ آیا آنها بر حقاند؟ آیا اصالت دارند؟ ما فکر می کنیم پاسخ مثبت است و چراى آن را باید در علت ایجاد این جنبشها جستجو

پس از پیروزی قیام بهمن ماه و به ویژه در چند ماهه گذشته، ما شاهد رشد جنبشهای مطالباتی مردم، بخصوص کارگران و دهقانان بوده ایم. در صدها کارخانه در سراسر کشور،

دست این فئودال جنایتکار را از اسلام تپه کوتاه کنید

در صفحه ۵

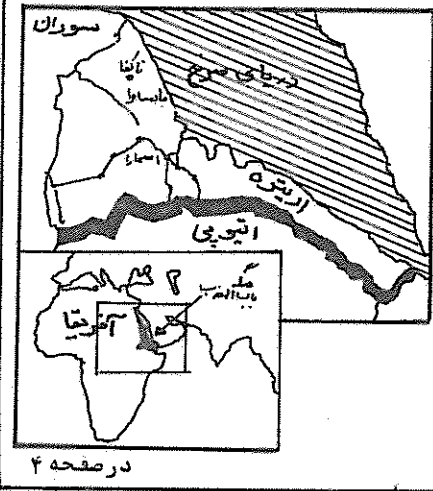
جنبش ضد استعماری زنان و « دادگاههای مدنی خاص »

اخیرا لایحه تشکیل " دادگاه مدنی خاص " در مجلس شورای ملی تصویب شده است.

مصاحبه با نماینده جنبش آزادببخش خلق اریتره

* چه نیروهایی

در اریتره مبارزه میکنند؟



مشکلات اقتصادی

مردم و « راه حل » دار و دسته کیانوری

* راه حل کیانوری: قطع مبادله با غرب و بسط وابستگی به شوروی
* راه حل میهن پرستان:

قطع وابستگی از شرق و غرب،
رشد اقتصادی ملی و متکی بخود

هشت ماه و نیم پس از پیروزی انقلاب، کشور ما با مسائل و مشکلاتی روبرو است که بار سنگین آن بیش از همه بردوش زحمتکشان قرار دارد. بعضی از این مشکلات میراث رژیم منفور و وابسته گذشته است و بقیه مسائلی هستند که پس از پیروزی انقلاب و در شرایط ادامه آن و اخلال و کارشکنی دشمنان داخلی و خارجی با آنها روبرو هستیم.

در حال حاضر صدها هزار کارگر و دیپلمه و تحصیلکرده ها بیکار هستند. مایحتاج اولیه مردم مثل برنج، روغن، قند و شکر، تخم مرغ، گوشت و ... یا در بازار یافت نمیشود و یا باید آنها را در بازار سیاه و به قیمت گران تهیه کرد. قیمت اجناس و مایحتاج مردم روز به روز و بطرز سرسام آوری بالا میرود و هیچ کس هم به فکر آن نیست که جلوی آنرا بگیرد. دولت هم یک برنامه انقلابی و قاطع برای حل آنها در صفحه ۷

مطالباتی مردم، بخصوص کارگران و دهقانان بوده‌ایم.

در صدها کارخانه در سراسر کشور، کارگران برای بدست آوردن حداقل حقوق کارگری و معیشتی خود، و کارگران بیکار برای کسب اشتغال، دست به مبارزات گوناگونی از قبیل اعتصاب، تحمّن و ... زده‌اند.

در بسیاری از روستاهای کشور دهقانان فقیر و میانه حال برای بدست آوردن زمین و سایر خواست‌های خود با عناصر فئودال، ربا خوار، مپاشین و بوروکرات‌های حامی آنان درگیر یک مبارزه وسیع بوده و طبق یک آمار منتشر شده در عرض چند ماه گذشته ۳۰۰۰۰۰ رخدادهای مبارزانه وجود داشته و ۷۰ کشته داده است.

در چند ماهه اخیر جنبش دیپلمه‌های بیکار نیز اوج گرفته و توده‌های وسیع جوانان بیکار خواستار اشتغال برای شرکت در سازندگی کشور خود شده‌اند.

این حرکت‌های مطالباتی با عکس‌العمل‌های مختلفی روبرو شده‌اند. از حمایت صحیح آن‌ها، تا مقاومت و سرکوب و برچسب ضد انقلاب به آن‌ها زدن، تا سوء استفاده از آن‌ها بوسیله عناصر ضد انقلاب یا چپ‌نما علیه دولت ملی.

اصالت دارند؟

ما فکر می‌کنیم پاسخ مثبت است و چرای آن را باید در علت ایجاد این جنبش‌ها جستجو کرد. به نظر ما علت اساسی، تضاد میان توده‌های مردم با بقایای نظام سابق، با غارت و استثمار امپریالیستی، سرمایه داری وابسته و بقایای فئودالیسم است.

امپریالیستها و طبقات حاکمه رژیم شاه، اکثریت مردم میهن ما، به ویژه زحمتکشان را تحت استثمار و ستم بی حد خود قرار میدادند. سرمایه‌های امپریالیستی و دلالتان خارجی، کارگران را استثمار کرده، کسبه خرده پارامورد فشار و بهره کشی قرار داده و ارزش سرمایه‌های ملی جلوگیری می‌کردند.

مالکین ارضی فئودال، دهقانان راحت استثمار و ستم قرار می‌دادند و دستگاه دولتی علاوه بر اینکه پاسدار این ستم و استثمار بود، خود بزرگترین زمیندار و سرمایه دار ایران به شمار می‌آمد و بزرگترین عامل وابستگی میهن ما به امپریالیستها و ابزار غارت آنها بود.

قیام بهمین ماه یک انقلاب سیاسی بود که حاکمیت این ستمگران را سرنگون ساخت، رژیم و دولتی ملی بر سر کار آورد. اما درست پیغمبر در صفحه ۲

«دادگاههای مدنی خاص»

اخیرا لایحه تشکیل "دادگاه مدنی خاص" تصویب گردید که طبق آن عملاً حق طلاق به مرد داده شده است. امری که با تشدید ستم بر زنان میهن عامل باز دارنده دیگری در مقابل شرکت وسیع زنان در مبارزه سیاسی و اداامه انقلاب است.

در این رابطه "جمعیت زنان ایران" نامه‌ی سرگشاده‌ای به دولت نوشته است که بخش‌هایی از آن را در زیر می‌خوانیم:

نامه سرگشاده جمعیت زنان ایران به نخست وزیر دادگستری

"در مهر ماه سال جاری لایحه پیشنهادی وزارت دادگستری در مورد تشکیل "دادگاه مدنی خاص" به تایید هیئت دولت رسید و سپس در شورای انقلاب تصویب گردید. از آنجا که تصویب این لایحه که به پیشنهاد وزارت دادگستری طرح گردیده، به سر نوشت میلیونها زن و کودک و تمامی خانواده‌های ایرانی مربوط می‌شود لازم دیدیم مسائل زیر را با شما در میان بگذاریم.

بقیه در صفحه ۲

اسلام پیه نوه نئید

در صفحه ۵

مصاحبه با

«کمیته تدارک ایجاد حزب»

پیش از یکماه و نیم است که "کمیته تدارک ایجاد حزب کمونیست ایران"، متشکل از سه سازمان "کمونرها"، "اتحاد مبارزه در راه ایجاد حزب طبقه کارگر" و "سازمان انقلابی" تشکیل شده است.

حرکت سازمانهای مارکسیستی-لنینیستی بسوی یکی شدن و ایجاد ستاد سیاسی طبقه کارگر پیروزی بزرگی برای جنبش نوین کمونیستی ایران و دستاوردی برای انقلاب میهن ما و جنبش مارکسیستی-لنینیستی جهان است. از اینرو و برای بهتر آشنا شدن با جریان تدارک حزب و آشنائی با نقطه نظرات "کمیته تدارک" هفته پیش مصاحبه‌ای با چند تن از اعضای این کمیته (از هر سه سازمان) ترتیب دادیم و آنچه در زیر می‌خوانید بخش اول این مصاحبه

دولت هم یک برنامه انقلابی و قاطع برای حل بقیه در صفحه ۲

است که در این شماره بچاپ میرسد.

س- برای شروع، لطفاً مختصری از تاریخچه جنبش مارکسیستی ایران در چند دهه اخیر و سابقه فعالیت این سه سازمان بگوئید.

ج- (از رفقای "سازمان انقلابی")- در سال‌های پس از شهریور ۱۳۲۰ جنبش کمونیستی ایران اساساً بعلت اینکه یک خط مشی رفورمیستی و پارلمانتاریستی بر آن حاکم شده بود و رهبری آن حزب توده بود یک مدتی دچار مشکلات درونی شد و سیاست‌هایی که حزب توده در این دوره اتخاذ کرد که گاه به چپ روی و گاهی به راست روی و دائماً در حال تزلزل و نوسان بود نشان داد که این حزب ایدئولوژی کمونیستی نداشته و بروی یک خط مشی اصولی بقیه در صفحه ۲

اخلال دوجانبه علیه فعالیت سیاسی در مدارس

پیش از یکماه از بازگشائی مدارس میگذرد و موضوع مربوط به آزادی بحث و تبلیغ سیاسی در محیط مدارس همچنان موضوع اصلی کشمکشها و درگیری‌های این محیط را تشکیل می‌دهد. وزارت فرهنگ همچنان بر موضع خود مبنی بر آزادی بحث در مدارس ولی نه در کلاس‌ها پابرجاست و در هر حال آزادی تبلیغ سیاسی را ممنوع میداند.

روشن است که آزادی بحث سیاسی بدون آزادی تبلیغ سیاسی مفهوم چندانی ندارد. زیرا اگر مقصود بالا رفتن شور و آگاهی سیاسی دانش آموزان است، این امر تنها از راه برخورد عقاید و آراء و طرحها و برنامه‌های مختلف سیاسی میسر است و این کار نیز بدون تبلیغات سیاسی گروه‌های مختلف ممکن نیست. آموزش سیاسی، درس فیزیک و ریاضی نیست که با قرائت این یا آن کتاب و یا درس این یا آن معلم بتوان بدان دست یافت، بلکه تنها در مبارزه فعال سیاسی-اجتماعی قابل کسب است. گذشته از این، به کرات در مدارس دیده میشود بقیه در صفحه ۵

مواضع راستین بنی صدر علیه دو ابر قدرت آمریکا و شوروی

* اصولاً ما باید در خارج از این دو ابر قدرت آمریکا

و شوروی دنبال امکانات بگردیم

دو ابر قدرت آمریکا و شوروی دنبال امکانات بگردیم و این امکانات وجود دارند.

و این امکانات را ما باید برای دو مورد بکار ببریم، یکی رشد داخلی و دیگری استقلال در برابر ابر قدرتها. این امکانات در کشورهای اروپائی و کشورهای آسیائی هست و ما میتوانیم در بسیاری از زمینه‌های اقتصادی با این کشورها متناسب با یک استقلال اقتصادی، قراردادهای اقتصادی تنظیم کنیم.

وی همچنین پیشنهاد خرید قطعات یدکی اسلحه از سایر کشورها غیر از آمریکا برای قطع وابستگی مطرح ساخت و سپس در مورد قراردادهای اضافه کرد:

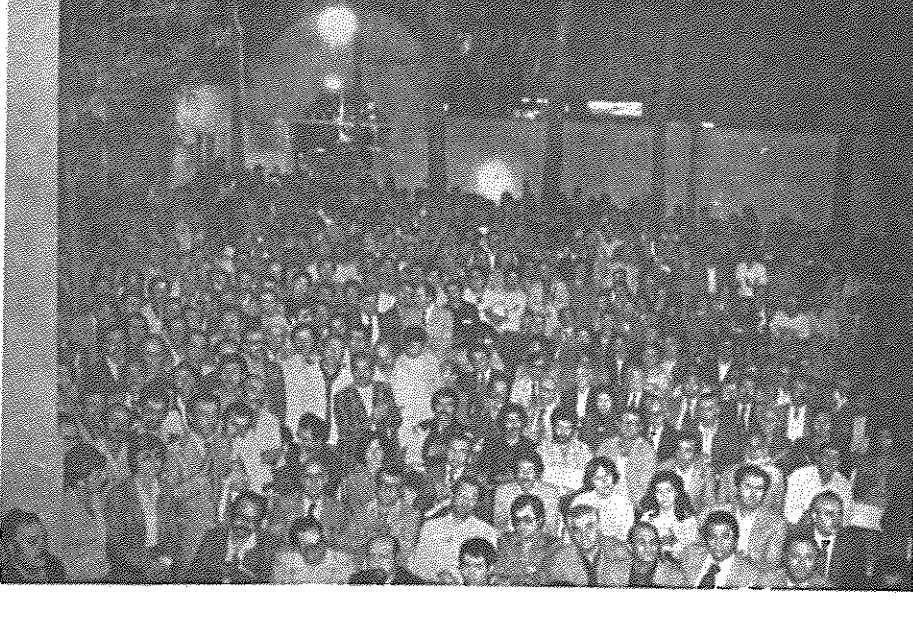
"قرارداد نظامی دوجانبه ایران و آمریکا و همچنین دو ماده پنج و شش از قرارداد ۱۹۲۱ شوروی با ایران باید لغو شود و اصولاً ما باید سیاست خارجی فعال و مستقلی داشته باشیم و بگردیم برای پیدا کردن امکانات در خدمت ایران مستقل و کمک به رهائی منطقه از سلطه خارجی".

بقیه در صفحه ۲

مراسم سالگرد تاسیس جبهه ملی ایران

بعد از ظهر پنجشنبه سوم آبان ماه، سی‌امین سالگرد تشکیل جبهه ملی ایران، در محوطه ستاد مرکزی با شرکت هزاران نفر از اعضا و هوا داران برگزار شد.

مراسم با خواندن سرود و شعار سلام بر خمینی درود بر مصدق آغاز گردید. در سخنرانان مهندس زیرک زاده و دکتر بقیه در صفحه ۲



نگاهی به

انتخابات شورای شهر لار

گزارشی از لار بدست ما رسید که دارای نکات قابل توجهی از جریان انتخابات بیستم مهر ماه برای شورای شهر است. بعضی از این نکات در زیر می آوریم:

بیست و پنج نفر خود را کاندیدای شورا کرده بودند. ده نفر از آنها توسط هیات صلاحیت حذف شدند. منجمه نامیده اتحادیه بیکاران لار حذف شد که مورد اعتراض شدید مردم بخصوص جوانان لار قرار گرفت. از پانزده نفر کاندیدای به اصطلاح

صلاحیت دار، عدهای دارای سابقه خوبی نبودند و بعضی با سابقه همکاری فعال با " حزب رستاخیز " و رژیم سابق داشتند.

در روز انتخابات عدهای در اطراف حوزههای رای گیری می چرخیدند و برای افرادی که سواد نداشتند، اسامی مشخصی را روی برگه رای می نوشتند.

اهالی از این انتخابات استقبال نکردند و کمتر از ۴ هزار نفر در رای دادن شرکت کردند.

جنبشهای مطالباتی

به خاطر ماهیت سیاسی انقلاب، و نهاد اجتماعی آن، اکثر نهادها و موسسات طاغوتی استثمارگر قبلی یا بر جا باقی مانده و کم و بیش به همان صورت قبلی عمل می کنند، گر چه ضربات جدی به آنان، به ویژه در زمینه سرمایه داری و ایست، وارد آمده است. هنوز غارت و ستم امپریالیستی، سرمایه داری دولتی، مالکین فئودال و ... موجود است. بهترین و تازه ترین نمونه آن را در واقع انزلی و عملکرد شیلات باقی مانده از طاغوت می توان دید. دستگاهی است که اساسا دست نخورده باقی مانده است.

بنابراین، یک تضاد عینی بزرگ اجتماعی میان توده های خلق و این نهادها و موسسات استثمارگر باقی مانده از رژیم سابق موجود است و این تضاد پایه عینی و ریشه بوجود آمدن حرکت های مطالباتی مردم است. تضادی است میان خلق و ضد خلق باقی مانده و رفته نشده، و از این رو حرکت مطالباتی مردم حرکتی اصیل، مردمی و به حق است و در مسیر انقلاب و ادامه آن قرار دارد.

علت اوج گیری این حرکات در زمان حاضر هم روشن است: از یک سو نهادها و موسسات استثمارگر باقی مانده اند، از سوی دیگر رژیم خفقان که پاسدار آنها بود از بین رفته است. لذا توده ها امکان شکوفائی، متشکل شدن و مبارزه با این نهادها را یافته اند.

این جنبش مطالباتی مردم علاوه بر به حق بودن، جنبشی در مسیر انقلاب و برای تحکیم آن است، به شرط آنکه سیاست هدایت کننده آن صحیح باشد. زیرا این حرکات مطالباتی به نهاد های باقی مانده از طاغوت ضربه می زنند و آنها را به سود خلق نو سازی می کنند. در غیر این صورت و در صورت باقی ماندن این دستگاه های طاغوتی، انقلاب از حرکت باز می ایستد و این نهادها کم کم قدرت گرفته و نمایندگان سیاسی خود را هم در سطوح مختلف قدرت، از دولت مرکزی تا شورای ده بوجود خواهند آورد و خطرات جدی برای حاکمیت ملی خواهند بود.

اما به خاطر اینکه این جنبش های مطالباتی در خدمت تحکیم انقلاب باشند باید سیاست صحیح آنها را هدایت کند، یعنی سیاست

مخبر

مصاحبه با کمیته...

و مبتنی بر اصول مارکسیسم - لنینیسم و تلفیق آن با پراتیک مشخص انقلاب ایران نبود و به همین دلیل هم هیچوقت نتوانست تا سطح یک حزب طراز نوبین طبقه کارگر ارتقاء کند.

پس از کودتای ۲۸ مرداد - شکست، رکود فعالیت های این حزب، جنبش کمونیستی باردیگر در برابر این مسئله قرار داشت که چگونه میتواند پیروی کند و به مواضع ایدئولوژیک سیاسی درستی دست پیدا کند و بر اساس آن تشکیلات خود را بوجود بیاورد.

منتها این دوره ای است که همراه است با سرکوب جنبش استقلال طلبانه ضد امپریالیستی و دمکراتیک ما و پیروزی کودتای امپریالیستی ۲۸ مرداد. بعلمت این وضع، برای یک دوره ای که میشود گفت از سالهای ۳۲ به بعد شروع میشود و تا سالهای ۴۲ رکود جنبش ادامه دارد در این دوره تلاش های کوچک و جداگانه ای میشود که اساسا " مبتنی است بر مبارزه علیه رهبری حزب توده و تلاش برای رسیدن به یک سری معیارهای ایدئولوژیک سیاسی. منتهی هیچوقت این تلاش ها قدرتمند نشدند تا آنجا رشد پیدا کنند که به یک خط مشی ایدئولوژیک سیاسی منسجم مارکسیستی - لنینیستی تکامل یابند.

عناصری از درون حزب توده و در درون حزب توده به مبارزه با رهبری می پردازند. عناصری از حزب توده بیرون می آیند و سعی میکنند با دیگر عناصر جبه که در خارج از حزب توده بودند تشکلهائی بوجود بیاورند، ولیکن مجموعه این جریانها قادر نمی شدند به یک سمت تبدیل شوند و جریان بزرگی بوجود بیاورند و اثر مهمی در جنبش طبقه کارگر و در درون خلق بجا بگذارند.

آغاز سالهای دهه ۴۰ در واقع مصادف است با دوره ای که تدریجا " مبارزات مردم اوج میگردد و در برابر رشد این مبارزات و در برنو نقشه استعماری امپریکا برای ضربه زدن با استقلال ملی بعضی از رفرمها صورت میگردد.

در عین حال سالهای ۴۰ مصادف است با دوره ای که در جنبش کمونیستی جهانی بین خط مشی اصولی که به مارکسیسم - لنینیسم تکیه دارد و خط مشی رویزیونیستی که اساسا توسط خروشچف در حزب و دولت شوروی حاکم میشود و تلاش میکند که مارکسیسم - لنینیسم را از محتوای انقلابی آن تهی کند و تبدیل به یک آلت بورژوازی نماید مبارزه شدنی در میان است. این مبارزه در سطح جهانی و در داخل کشورها تاثیر خودش را میگذارد و کمک می کند به اینکه مارکسیست - لنینیست ها این بار در برخورد به حزب توده با یک دید روشنی دنبال مسائل بگردند. و اصولا " اینکه ماهیت رویزیونیستی این حزب را عمیقاً بشناسند، در عین حال سعی کنند که به اصول مارکسیسم - لنینیسم دست پیدا کنند و در نتیجه بتوانند آنرا با شرایط جامعه ما تطبیق بدهند.

به این ترتیب در واقع رشد مبارزات مردم که نهایتاً به ۱۵ خرداد میانجامد و مواضعی که از نظر نظری در سطح جهان بین مارکسیسم و رفرمها در جریان بود و بالاخره شکست

برای اینکه سازماندهی در داخل کشور و در پیوند کارگران و دهقانان صورت بگیرد و مبارزه علیه فرارطلبی رهبران حزب توده و کوشش برای اینکه سازمانی بوجود بیاید که این سازمان بر اساس نرمهای تشکیلاتی مارکسیست - لنینیستی یعنی بر اساس مرکزیت دمکراتیک بوجود بیاید نه بر اساس آن بوروکراتیک و سانترالیزم مطلق که رهبری حزب توده در مورد ما اعمال میکرد.

البته در این دوره در داخل کشور هم مبارزه جریان دارد بخصوص در سطح نیروهای روشنفکری جامعه ما که یک دسته عناصری هستند متشکل از نیروهایی که از درون جنبش ملی ایران بخصوص جبهه ملی و نهضت آزادی بیرون می آیند اینها مبارزات خودشان را علیه بی تحرکی احزاب سنتی و در عین حال در مبارزه علیه مبتذلات رویزیونیستی حزب توده آغاز میکنند. اینها کوشش میکنند که خودشان را سازمان بدهند ولیکن شرایط نامساعد است و در نتیجه این تشکلهای از آن امکاناتی که در خارج از کشور بود برخوردار نیستند و یک دوره ای طولانی مبارزه سختی را در پیش دارند و اساسا در حد یک تشکل کاملاً " استوار پیش نمیروند. ولیکن این مبارزه با قاطعیت و سرخستگی علیه این نظرات رویزیونیستی ادامه پیدا می کند.

در این حرکت بجلو، بعلمت اینکه در سالهای ۱۵ خرداد و گرایشی که هم در سطح داخل کشور و هم در سطح بین المللی بوجود آمده بود به این مفهوم که ماجراجویی و آتاریسم در برابر عدم تحرک رویزیونیست ها در تمام دنیا یا گرفته بود این جریان در ایران هم تاثیر خودش را گذاشت و یکسری جریانها را در ایران در داخل کشور بوجود آورد که مسئله ایجاد حزب را نفی میکند و میگوید که پیروزی انقلاب اساسا باید با تکیه به تفنگ باشد بخصوص در سالهای دهه آخر ۴۰ این جریان توانست جایگاهی در جنبش روشنفکری جامعه ما برای خودش پیدا کند و خط " چپ " تا حدودی یک نوع حاکمیتی پیدا کرد.

ولیکن در خارج از کشور بعلمت اینکه مارکسیست - لنینیست ها با شناخت از رویزیونیست و اپورتونیسم جبه با طرد خط مشی کاستریسم با نقطه نظرانی که نادرست است با خط مشی چریکی و مبارزات مسلحانه جدا از توده ها مبارزه کردند، اپورتونیسم جبه نتوانست یک حاکمیت بلامنازعی پیدا کند. البته این دوره ای اپورتونیسم جبه زیاد طولانی نیست بطوری که خیلی زود در عمل عدم صحت این خط مشی معلوم شد و سالهای ۵۰ به بعد ما تدریجا رویزیونیسم جبه را با اقبال توده ها روبرو می ایستادیم و این اقبال توده ها روبرو نمیشود و در عمل با چریاتی که از طرف رژیم وارد میشود دامنه های ضعیف میشود در حالی که تدریجا " خط مشی مارکسیست - لنینیست ها که پیروزی انقلاب را با تکیه نیروی توده های میلیونی میدانستند و تاکید میکردند که در

درجه اول باید پای ایجاد یک حزب راستین طبقه کارگر که با توده های خلق بطور وسیع پیوند داشته باشد، این خط مشی تدریجا " جا باز میکرد و در این دوره است که ما تدریجا در اتحاد مبارزه در راه ایجاد حزب طبقه کارگر و

انگیزه های مبارزات انقلابی

میکند به اوج گیری مجدد مبارزات توده های مردم، و شرایط مساعدتری را برای رشد این سازمانها و گروهها و محافل در درون کشور فراهم میکند. منتهی تا پیروزی انقلاب ضد - امپریالیستی دمکراتیک جامعه ما این سازمانها هنوز در سطح محافل روشنفکری باقی می مانند و نمیتوانند یک پیوند وسیعی با کارگران و دهقانان برقرار کنند. البته این یک مقدار طبیعی است ولی علیرغم کوشش فراوانی که همراه است با شهادت بسیاری از مارکسیست - لنینیست ها و مقاومت آنها در زندانها بعلمت وضعیت خفقان این کوششها و این تلاشها و این جانفشانیهای گروههای مارکسیست - لنینیستی زیاد تشریح نیست در حالیکه پس از پیروزی انقلاب ضد امپریالیستی - دمکراتیک در ماههای گذشته و بوجود آمدن آزادیهای دمکراتیک در جامعه این شرایط فراهم آمد و نیروهای مارکسیست - لنینیستی که تاکنون جدا از یکدیگر بودند سریعاً " تلاش کنند که در جهت وحدت و یکی شدن قدم بردارند.

البته جنبش مارکسیست - لنینیستی در این دوره در واقع به سه طیف تقسیم میشود یک طیف است که ظاهراً چپ ولی عملاً راست که نماینده اینها در واقع چریکهای فدائی خلق هستند اینها پس از آن " چپ " رویبهای سالیهای اول و شکست خشان بجای تصحیح اشتباهاتشان عملاً " در نقطه نظرانی اساسی شان تدریجا " تغییراتی بوجود می آید و ریز ریز بیشتر متزلزل میشوند، در ارتباط با رویزیونیسم و در ارتباط با مبارزه علیه رویزیونیسم در داخل و وسیعاً امپریالیسم در خارج و اینها در واقع به نوعی ادامه دهندگان خط مشی اپورتونیستی راست هستند، منتها در قالب " چپ ".

خط مشی " چپ " دیگری که از یک موضع چپ ولی در واقع میانه، عمل میکند. اینها هم متشکل از یک عده گروهها و سازمانها هستند که در " کنفرانس وحدت " گرد هم آمده اند و اینها در واقع در این اوضاع جدید پس از قیام بهمین قادر به تحلیل درست از واقعیت کنونی جامعه ما و شناخت دوستان و دشمنان انقلاب نیستند و از نظر خارجی هم موضع استواری در ارتباط با سوسیال امپریالیسم شوروی ندارند و به همین علت گرچه اینها بعضی مواضع ضد رویزیونیستی دارند اما عملاً " روی خط سیاسی ای که چریکها در ارتباط با انقلاب گذاشته اند حرکت میکنند.

جناح مارکسیستی - لنینیستی که متشکل از سازمانها، گروهها و محافل مارکسیستی - لنینیستی است. اینها برعکس گروههای دیگر که اساساً " یک خط مشی سکتاریستی دارند، در این مدت پس از قیام بهمین تدریجا " با وحدت روی مواضع ایدئولوژیک سیاسی، با همکاریهای عملی و تلاش مشترک برای شناخت هر چه دقیق تر مسائل و معضلات جامعه، قادر میشوند که تدریجا " با کار دو جانبه و چند جانبه در یک دوره کوتاهی، بعلمت اینکه روی مواضع اصولی پاسفاری میگردند، بتوانند تدریجا " مشکلات را از میان بردارند، به هم دیگر نزدیک شوند. وحدت نظری که سه سازمان کمونرها، اتحاد مبارزه در راه ایجاد حزب طبقه کارگر و

حاجت منی حوصله بود اما به خاطر اینکه این جنبشهای مطالباتی در خدمت تحکیم انقلاب باشند باید سیاست صحیحی آنها را هدایت کند، یعنی سیاست شناخت حقایق آنان، مبارزه علیه نهادهای استثمارگر و تامین خواستههای به حق مردم به ویژه زحمتکشان و حفظ و تحکیم وحدت با دولت ملی و جمهوری اسلامی و ایجاد ارگانهای مردمی در سطوح مختلف برای حفاظت از دستاوردهای

کردستان: نه سازش

برداشته و خواستار امان دادن به ضد انقلاب و انتقال قدرت سیاسی در کردستان به وابستگان روسیه است.

در این اوضاع ستوالی که برای اکثریت مردم میهن دوست ایران مطرح شده است این است که چه راه حلی وجود دارد و چه سیاستی را باید در پیش گرفت؟

اکثریت عظیم مردم میهن، منجمله خلق کرد خواستار پایان جنگ، رفع ستم از خلق کرد و حفظ استقلال و تمامیت ارضی ایرانند. اما مسئله اینجاست که چه روش و سیاستی به این خواستها جواب خواهد گفت.

بنظر ما سیاست درست تنها می تواند سرکوب ضد انقلاب وابسته در کردستان (در حین نمایر گذاری میان آنان و منحرفین و توده های خلق) از یکسو، و برآوردن خواسته های به حق خلق کرد از سوی دیگر باشد.

در مقایسه با راه حل دولت، مسا دو انحراف اساسی را در مقابل خود می بینیم:

سازش و مدارا جوئی با ضد انقلاب وابسته

انحراف اول سازش با ضد انقلاب، دادن امتیاز به او و حاکم کردن دار و دسته وابسته به بیگانه قاسمطو بر خلق کرد و بر این منطقه از میهن ماست. نتیجه این سیاست نادرست تنها میتواند ایجاد یک پایگاه سیاسی امپریالیسم روسیه در غرب ایران و فرو کردن خنجر در پهلو انقلاب میهن ما باشد. تنها به معنی دادن ابزاری در دست امپریالیست های روسی است که هر وقت خواستند، با تکیه به قدرت کسب کرده در کردستان، به دولت مرکزی فشار آورند و از آن امتیازات اقتصادی و سیاسی به جهت ضربه زدن به استقلال میهن مان بگیرند.

سرکوب خلق و ستم بر او

انحراف دیگر نفی مسئله ستمدیدگی خلق کرد و حقانیت خواست او در تعیین سرنوشت خویش، نفی مسئله استثمار و ستم مالکین ارضی فئودال بر دهقانان و قاطی کردن ضد انقلاب با منحرفین یا خلق کرد و ضد انقلابی خواندن خلق و سرکوب اوست.

این سیاست ستمگانه نیز قادر به حل

می توانند با ضربه زدن به بقایای طاغوت، پایه های انقلاب را تحکیم کنند و با بهبود وضع مادی زحمتکشان، لشکر انقلاب را در مقابل ابر قدرتها تقویت بخشند.

از جنبشهای به حق مطالباتی مردم دفاع کنیم، وحدت آنان با جمهوری اسلامی را تامین کرده و منحرفین چپ نما و راست را مورد انتقاد قرار دهیم.

مسئله نیست زیرا تا وقتی که ستم هست مبارزه هم هست و سرکوب خلق تنها موجب رشد مقاومت وی، تضعیف دولت مرکزی و ایجاد زمینه برای ضد انقلاب وابسته در کردستان میشود تا بدروغ خود را " قهرمان دفاع از خلق کرد " بنمایاند.

از اینرو ایندو سیاست انحرافی سازش با ضد انقلاب یا سرکوب خلق نه تنها قادر به حل مسئله نیست، بلکه در عوض موجب انحراف انقلاب ما، رشد وابستگی به بیگانه و ضربه زدن به استقلال میهن خواهد شد.

مردم ما هم سیاست سازش با ضد انقلاب را که طرفداران روسیه مبلغ آن هستند، رد می کنند، و هم سیاست سرکوب خلق را که طرفداران امریکا موافق آنند. سیاست مستقل مردم ما سرکوب ضد انقلاب و برآوردن خواسته های بحق خلق کرد، وحدت با او و تکیه بر اوست.

برای پیاده کردن این سیاست ملی و مردمی کلیه نیروهای خلقی کرد و غیر کرد باید در یک اتحاد بزرگ ملی متحد شوند و بر پایه استقلال ایران و عدم وابستگی به بیگانه و رفع ستم از خلق کرد، در سطوح مختلف ارگانهای وحدت ملی میان کلیه نیروهای اصیل و غیر وابسته را برای حل مسائل کردستان بوجود آورند و در وحدت فشرده میان دولت مرکزی و خلق کرد در جهت حل مسائل خود مختاری ملی غیر وابسته و حل مسائل دهقانان کرد و رشد اقتصادی منطقه حرکت کنند.

مواضع راستین...

قطع وابستگی به امریکا و مبارزه فعال با او، لغو قراردادهای نظامی اسارت بار با امریکا و شوروی، دوری از دو ابر قدرت و تامین نیازمندیهای ضروری از کشورهای جهان سوم و اروپا، بخدمت درآوردن این امکانات برای رشد اقتصاد ملی و مقاومت در برابر فشار اقتصادی ابر قدرتها و... همگی مواضع راستین و استقلال طلبانه ای هستند که ما از آنها قویا پشتیبانی کرده و ادامه ی پیروز میند انقلاب را در گرو یا فشاری بر آنها و با اجرا درآوردن این اصول میدانیم.

به این ترتیب در واقع رسد مبارز مردم که نهایتا " به ۱۵ خرداد میانجامد و مواضعیکه از نظر نظری در سطح جهان بین مارکسیسم و رویزیونیسم در جریان بود و بالاخره شکست مجموعه احزاب سنتی که در ایران بودند چه میکردند مثل حزب توده در رهبری جنبشهای توده ای، اینها عواملی بودند که کمک کردند به اینکه مارکسیست - لنینیست ها پس از این تاریخ بر اساس دفاع از اصول برای ایجاد تشکلهای جدیدی که بتواند این اصول را با شرایط مشخص جامعه ما تلفیق بدهد مبارزه بکنند و دست به ایجاد سازمان های سیاسی کارگری بزنند.

از آن تاریخ است که مثلا سازمان انقلابی در خارج از کشور در انشباب از حزب توده در سال ۱۳۴۳ یا به عرصه وجود میگذازد و اساسا بر اساس پلانترم ضد رویزیونیستی که روی چند اصل مبتنی بود: یکی دفاع از انقلاب قهرآمیز بریتوان یکی اصل مارکسیست - لنینیستی و رد تئوری گذار مسالمت آمیز حزب توده و کوشش

جنبش ضد استعماری

در تبصره ۲ لایحه مزبور چنین طرح می شود (موارد طلاق همان است که در قانون مدنی و احکام شرع مقرر گردیده ولی در مواردی که شوهر به استناد ماده ۱۱۳۳ قانون مدنی تقاضای طلاق می کند دادگاه... موضوع را به داوری رجاع می کند و در صورتی که بین زوجین سازش حاصل نشود اجازه طلاق به زوج خواهد داد.) بنابراین تبصره ماده ۱۱۳۳ قانون مدنی که حق طلاق را به مرد می دهد مجددا احیاء شده و مرد ایرانی به راحتی می تواند زمانی که به این دادگاه مدنی خاص مراجعه کرد و با همسرش سر (سازش) نداشت، اجازه طلاق بگیرد، به همان صراحت که در تبصره ۲ لایحه مزبور طرح گردیده ...

" این مسئله لازم به توضیح نیست که در نظام ارتجاعی سلطنتی چگونه حقوق زنان پایمال می گردید و زنان ایرانی برای احقاق حقوقشان راه دیگری به جز مبارزه با رژیم پهلوی نداشتند. با سرنگونی رژیم پهلوی و استقرار جمهوری اسلامی و دولت ملی مسلمان " زنان ایران خواستار تغییرات اساسی در کلیه زمینه ها و شئون اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و مدنی در رابطه با مسائل خویش می باشند. به همین دلیل بحث ما بر سر اجرای قانون حمایت خانواده نیست زیرا که معتقدیم که این قانون دچار معایب فوق العاده زیادی است و کماکان تحت این قانون حقوق زنان پایمال می گردیده است. زنان ایران خواستار این مسئله بودند که قانون حمایت خانواده ما از رویه احقاق حقوق مدنی زنان مورد تغییر قرار گیرد

طبقه کارگر که با توده های خلق بطور وسیع پیوند داشته باشد، این خط مشی تدریجا " جا باز میبرد و در این دوره است که ما تدریجا در خارج از کشور روبرو هستیم با ایجاد تشکلهای جدیدی که از جمله سازمان اتحاد مبارزه در راه ایجاد حزب طبقه کارگر است که در خارج از کشور بر اساس این پلانترم بوجود می آید و کادرهایش از درون مبارزاتی که در گذشته در خارج از کشور شکل داشت بیرون آمده بود.

این دوره جدید در واقع دوره ای هست که قدم به قدم هم خط مشی های ایدئولوژیک - سیاسی سازمانهای مارکسیستی - لنینیستی و گروههای مارکسیست - لنینیستی در رابطه با انقلاب ایران مشخص میشود و هم گروههای جدیدی در داخل کشور پا به عرصه وجود میگذارند. این دوره بعثت اینکه پس از شروع مبارزات چریکی یک سرکوب وحشیانه از طرف رژیم وارد میشود، باز رشد این گروهها در شرایط نامساعدی صورت میگیرد و بحران های اقتصادی و سیاسی سالهای ۱۳۵۴ به بعد کمک

نه اینکه چندین قدم به عقب باز گردانده شود و ماده ۱۱۳۳ که فقط بر مبنای جنسیت حق طلاق را به مرد می دهد و همین طور احیای قوانین دیگر که در تجاوز آشکار به حقوق زنان و خانواده های ایرانی به طور عموم است، مجددا تصویب گردند.

جمعیت زنان ایران احیای مجددا این قوانین را از آنجائی بسیار نگران کننده ارزیابی می کند که نقض حقوق اولیه زنان در جامعه ایران و تبعیضات مختلف بر مبنای جنسیت را به عنوان عامل باز دارنده در شرکت زنان در ادامه انقلاب ضد امپریالیستی می داند.

لازم به توضیح نیست که چگونه امپریالیزم جهانی به ویژه دو ابر قدرت جهان خوار امریکا و شوروی و عمال داخلی آنها و صهیونیستها برای گرفتن قدرت در ایران، بر ضد انقلاب ما اخلال و توطئه می کنند و چرا لازم است که وسیع ترین توده های مردم اعم از زن و مرد در مقابل دو ابر قدرت بسیج شوند و توطئه های آنان را خنثی سازند. آیا احیای مجدد این قوانین جلوی شرکت وسیع زنان در ادامه انقلاب را نخواهد گرفت و به عامل باز دارنده این نیروی عظیم منجر نخواهد شد ؟ ...

" جمعیت زنان ایران از آنجا که اعلام گردیده به زودی این دادگاههای مدنی خاص تشکیل می گردند، مصرانه از دولت موقت و تمامی مسئولین امر می خواهد که تشکیل ایس دادگاهها معلق گردیده و از کلیه کارشناسان و مسئولین و دست اندر کاران امور حقوقی و خانواده و نمایندگان اقشار و طبقات مختلف زنان دعوت گردد تا با مطالعه، تحقیق و

اصولی یا فشاری میگردند، بتوانند تدریجا مشکلات را از میان بردارند، به همدیگر نزدیک شوند. وحدت نظری که سه سازمان کمونرها، اتحاد مبارزه در راه ایجاد حزب طبقه کارگر و سازمان انقلابی بوجود می آورند باعث میشود که بتوانند قدم بعدی را در جهت وحدت تشکیلاتی بردارند و به همین علت به پای ایجاد کمیته تدارک حزب کمونیست که در حدود یک ماه و نیم پیش تشکیل شد میروند و گامهای اساسی در جهت فراهم آوردن شرایط برای وحدت تشکیلاتی و در واقع برگزاری کنگره حزب بر میدارند.

در عین حال، در این دوره چند ماهه، این سازمانها در تلاشی که برای وحدت با سایر مارکسیست - لنینیست ها داشتند، موفق میشوند تا با بعضی از محافل و گروهها نزدیک شده و حتی تا سطح یکی شدن با آنها به پیش روند.

این یک تصویر خیلی کلی بود از وضعیتی که جنبش مارکسیستی - لنینیستی ایران طی بیش از دو دهه اخیر با آن روبرو بوده است.

مشورت کامل در این موارد عمل گردد. مسلما تصویب عجولانه این لایحه و به عمل درآوردن آن نه تنها گرهی از مشکلات بسیار زنان ایران باز نمی کند بلکه بر آنها میافزاید و رشد و ادامه انقلاب ضد امپریالیستی را کند میسازد. جمعیت زنان ایران در عین اینکه هر گونه سوء استفاده فرصت طلبانه از این مسئله را مژدود می داند، در صورت عکس العمل منفی پیگیرانه این مسئله را دنبال خواهد کرد و در سطوح مختلف برای احقاق حقوق زنان مبارزه را ادامه خواهد داد "

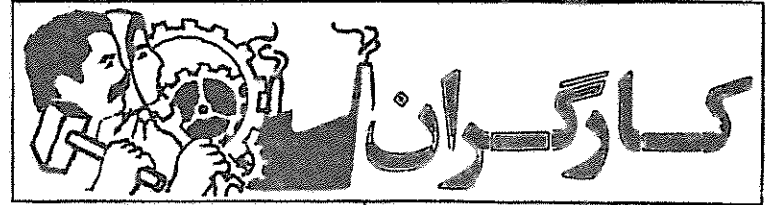
جمعیت زنان ایران

بیمه اجتماعی

کارگری میگوید: من ۸ تا بچه دارم. زنم مریض است و دکتر گفته باید چند نوع عکسبرداری و آزمایش خون ومدفوع از او بگیرم. اگر بخواهم پول بدهم باید حقوق یک ماه خود را برای این کار بدهم. پول بیمه را کارخانه از ما کم میکند و وقتی که به سازمان بیمه میرویم میگویند کارخانه شما به ما بدهکار است و ما نمیتوانیم برای شما دفترچه صادر کنیم.

کارگرد دیگری میگفت: دست زرم باد کرده، چند بار با دفترچه به دکتر بردم. سعی نکردند بیماری زرم را تشخیص دهند. هم اکنون منتظرم تا سر ماه حقوق بگیرم و به دکتر شخصی مراجعه کنم.

همه کارگران به نسبت های مختلف از وضع بیمه ناراحت هستند و میگویند ما چشمانمان به در مانده تا طب ملی شود.



کارگران پالایشگاه آبادان و وزیر نفت

گزارشی از جریان ملاقات آقای معین فر وزیر نفت با کارگران صنعت نفت در آبادان از طرف عده‌ای از کارگران به دست ما رسیده است. این گزارش بسیار مفصل است و ما قسمتهائی از آن را چاپ می‌کنیم.

سه‌شنبه بیست و چهارم مهر ۱۳۵۸ آقای معین فر وزیر نفت به آبادان وارد شدند و به باشگاه کارگری آبادان جهت سخنرانی و ملاقات با بیش از ۵۰۰ کارگر شرکت نفت رفتند. ایشان در آغاز سخنرانی خود می‌گویند: من نیامده‌ام که با شما معامله کنم و به شما قولی بدهم. در میان سخنرانی او کارگری می‌گوید: اجازه بدهید با شما صحبت بکنم که ایشان جلوی این کارگرا می‌گیرند و می‌گویند: "قربونت بروم صبر کن بعد".

آقای معین فر در حدود دو ساعت در باشگاه آبادان سخنرانی می‌کنند و متأسفانه در میان این سخنرانی به مسائل اساسی کارگران پالایشگاه آبادان نمی‌پردازند به حدی که سر و صدای کارگران به اعتراض بلند می‌شود که

آقا از درد ما حرف بزن. بعد از این سخنرانی بعضی کارگران که دیگر حوصله‌شان سر رفته بود با جار و جنجال او را بدرقه می‌کنند و در میان این شلوغی آقای معین فر رفتن را به ماندن ترجیح می‌دهند و کارگران شعار "۲ تا ۳ پنجشنبه تعطیل است" را بدرقه راه‌ایشان می‌کنند.

چهارشنبه ۲۵ مهر ساعت ۹ صبح آقای معین فر به پالایشگاه جهت باز دید و سخنرانی آمده‌اند. نماینده کارگران خطاب به معین فر در حضور بیش از ۵۰۰ کارگر در کارگاه مرکزی پالایشگاه آبادان می‌گویند: "آقای معین فر سخنرانی شما در باشگاه آبادان مسائل کارگری نبود که مطرح گردید بلکه مسائل کارگری بطور عمده در حال حاضر رفع تبعیضات طاغوتی در مناطق شرکت نفت و به ویژه پالایشگاه آبادان می‌باشد".

آقای معین فر خطاب به کارگران می‌گوید: من شخصا این گونه تغییرات در سیستم اداره شرکت نفت را راغب هستم ولی این کار نیاز به زمان دارد. در این حال یکی از کارگران در میان سخنرانی ایشان می‌گوید: بفرمائید انقلاب بعدی. آقای معین فر با عصیانیت می‌گوید: "اینها که پارازیت ول می‌کنند، ضد

مرکزی از ایشان خواسته بودند که در مورد شوراها و قدرت اجرائی آنها حرف بزنند ایشان طفره رفته بودند. در اینجا خود ایشان شروع می‌کنند در این باره صحبت کردن. که مسئله شورا از شورای انقلاب گذشته و من از شما می‌خواهم هر چه زودتر شوراها را تشکیل دهید.

در اینجا بیش از آنکه احتیاج باشد ایشان توضیح می‌دهند که ناگهان یکی از کارگران در می‌آید و می‌گوید: آقای معین فر دیگر کافی است از تبعیضات و پاکسازی صحبت کن. یکی دیگر از کارگران از این کارگری می‌گوید که بیست و تریبون رفته و حرف خود را بزند. توضیح اینکه یکی در روز پیش در اطلاعیه‌ای از طرف آقای معین فر به کارکنان صنعت نفت گفته می‌شود فکر نکنند که تافته جدا افتاده هستند.

در این رابطه این کارگر خطاب به معین فر می‌گوید:

من به شما می‌گویم از پشت همین تریبون به خاطر این چیزها که گفته‌اید باید از ما معذرت بخواهی.

بعد از این کارگر، یکی دیگر از کارگران قدیمی و متعهد پشت تریبون قرار می‌گیرد و در مورد پاکسازی خطاب به معین فر: اگر ما دم از پاکسازی می‌زنیم به خاطر سرنوشت این انقلاب است ما نمی‌توانیم ببینیم که عناصر وابسته به ساواک کارگر شریفی مانند عبدالامام محمدی را در پالایشگاه شناسائی کرده و روز بعد در تظاهرات خیابانی به شهادت برسانند و ما اکنون همچنان مسببین این جنایت و جنایات بی شمار دیگر را در کنار خود در پالایشگاه در مصداقاً مورویا دیگر مشاغل می‌بینیم. پس از سخنرانی این کارگر یک کارمند شریف شرکت نفت پشت تریبون قرار گرفته و درباره وضع ناسامان مسکن صحبت کرد.

نماینده دیگری از کارگران که در کمیته مسکن شرکت نفت انجام وظیفه می‌کند خطاب به معین فر می‌گوید: آقای معین فر در حدود ۱۹۵۰ منزل سازمانی شرکت نفت موجود است که ادارات گوناگون دولتی و ارتشی از آن استفاده می‌کنند. از طرفی دیگر کارگران بدون مسکن شدیداً به ما فشار می‌آورند که مسئله مسکن چه می‌شود. مثلاً چند روز پیش کارگری که تازه ازدواج کرده بود به من مراجعه کرد و از من

طبقه کارگر و امپریالیسم (۱)

ما در نوشته‌ها و حرفهای خودمان همیشه کلمه امپریالیسم را بکار می‌بریم. می‌گوئیم که امپریالیسم دشمن انقلاب ماست و انقلاب ما اساساً یک انقلاب ضد امپریالیستی است. در جریان انقلاب هم شعارهایی بر علیه امپریالیسم دادیم و از آن هم می‌گوئیم که امپریالیستها در کار انقلاب ما اختلال می‌کنند. روی دیوارها شعارهای زیادی نوشته شده که در آنها امپریالیستها به عنوان دشمنان انقلاب و دشمنان خلق ما معرفی شده‌اند. ولی باید پرسید که آیا همه ما تعریف دقیق این کلمه را میدانیم و با عملکردهای مختلف آن آشنا هستیم؟ آیا همه ما تاریخچه پیدایش امپریالیسم را میدانیم؟

۱- امپریالیسم چیست؟

امپریالیسم یعنی اینکه طبقه حاکم یک کشور معین کشورهای دیگر را با زور و با بهره‌برداری دیگر تحت تسلط خود در آورد و از مردم آن کشورها و تروتهای طبیعی آنها به نفع خود بهره‌کشی نماید. برای این کار هیچ‌کس ندارد که کشور امپریالیستی به کشورهای دیگر لشکر کسی بکند و آنها را اشغال نماید و با آنها را به خود ضمیمه نماید. این کار با سرمایه‌گذاری کشور امپریالیستی در این کشورها صورت می‌گیرد و از این طریق کشور امپریالیستی قادر می‌شود که از مردم کشورهای مذکور بهره‌کشی کند و تروتهای آنها را به بیجا ببرد. مثلاً در کشور خودمان، در زمان رژیم شاه، امپریالیسم آمریکا از طریق سرمایه‌گذاری‌های خود و غارت نفت و منابع طبیعی کشورمان، زحمتکشان ما را شدیداً استثمار می‌کرد و تروتهای ملی ما را برای خود تصاحب می‌کرد.

در قدیم کشورهای قوی به کشورهای ضعیف لشکر کشی می‌کردند و آنها را اشغال میکردند و خاک آنها را به خاک خود ضمیمه می‌کردند. کشور اشغال شده از آن پس جزئی از کشور اشغالگر می‌شد. مثلاً در قرون گذشته انگلستان به هندوستان حمله کرد و آنجا را به یکی از استان‌های خود تبدیل کرد. همین طور فرانسه نیز به الجزیره قسطنطنیه فرستاد و این کشور را به

مرگ

يك انسان شريف و مبارز
به ايمنى كارخانه

هفت تپه

رسيدگى كنيد

خود ضمیمه کرد. در قرن گذشته، کشورهای اشغال‌گر را کشورهای استعمارگر و کشورهای اشغال شده را مستعمره می‌نامیدند. ولی الان در زمان کنونی، کشور قوی و امپریالیستی سعی می‌کند با صادر کردن سرمایه به کشورهای ضعیف آنها را با خود وابسته کرده و آنها را غارت کند. البته الان هم اگر لازم باشد کشور امپریالیستی کشورهای دیگر را اشغال می‌کند ولی این اشغال موقتی است و کشور اشغالگر پس از مدتی نیروهای نظامی خود را از این کشورها خارج می‌کند و در عوض یک حکومت دست‌نشانده مانند حکومت شاه خائن در آنجا روی کار می‌آورد.

مواردی هم وجود دارد که حکومت یک کشور ضعیف، دست‌نشانده کشور قویتر نیست و از استقلال سیاسی هم برخوردار است ولی از نظر اقتصادی به کشور امپریالیستی وابسته است. البته استقلال سیاسی این کشور کامل نیست و تا زمانی که این کشور از لحاظ اقتصادی وابستگی‌اش را به کشورهای امپریالیستی کاملاً قطع نکند، استقلال سیاسی‌اش نیز در خطر است.

۲- تاریخچه پیدایش امپریالیسم

سابقه امپریالیسم به یک قرن پیش بر می‌گردد. در اواخر قرن ۱۹ میلادی و اوایل قرن ۲۰ بعضی از کشورهای اروپائی آن قدر رشد کردند و آن قدر ثروتمند و قوی شدند که قادر شدند از طریق سرمایه به کشورهای دیگر دست‌اندازی کنند و آنها را به خود وابسته سازند. در این کشورها یک دسته آدمها بودند که به آنها سرمایه‌دار می‌گفتند. این سرمایه‌دارها در طول دو سه قرن با لشکر کشی و غارت کشورهای دیگر و اشغال این کشورها و الحاق خاک آنها به خاک خود سرمایه‌های کلانی بدست آورده بودند. این سرمایه‌ها که از کشورهای دیگر که به آنها مستعمرات می‌گفتند، به اروپا می‌آمد باعث رشد و پیشرفت کشورهای اروپائی شد.

یک موقع رسید که سرمایه‌های موجود در اروپا به حدی زیاد شد که دیگر نمی‌شده‌ها آنها

را در خود کشورهای اروپائی مصرف کرد. البته می‌شد این کار را کرد و از این سرمایه‌ها برای بهتر شدن وضع کشاورزی و یا بهبود زندگی زحمتکشان استفاده کرد. ولی سرمایه‌دارها که در فکر این بودند که پول باز هم بیشتری بدست بیاورند حاضر به این کار نبودند. آنها همیشه به دنبال سود و سودآوری بیشتر بودند. به همین دلیل هم آسمان سرمایه‌دار است. این‌ها سرمایه خود را در جایی سرمایه‌گذاری می‌کنند که سود بیشتر نصیبشان کند. بنابراین وقتی که دیدند در کشورهای فقیر آسیا، آفریقا و یا امریکای لاتین دستمزدها بسیار پائین است و زمین آن مناطق سرشار از منابع طبیعی و معادن است، بی‌درنگ قسمتی از سرمایه‌های خود را به این مناطق سرازیر کردند و در آنجا به جان زحمتکشان آن نواحی افتادند و تا می‌توانستند از آنها کار می‌کشیدند و آنها را استثمار می‌کردند. این کار به همین سادگی‌ها هم نبود.

البته ما در زیر شرایط پیدایش و خصوصیات امپریالیسم را شرح می‌دهیم.

الف- انحصارات

در کشورهای اروپائی که به آنها کشورهای سرمایه‌داری می‌گفتند زمانی رسید که یک دسته سرمایه‌دار که خیلی پولدار بودند سرمایه‌دارهای کوچکتر را شکست دادند و کم‌کم آنها را باعیدند. تا قبل از این در هر رشته از فعالیت سرمایه‌دارهای مختلفی وجود داشتند که برای تولید یک کالای معین با هم رقابت می‌کردند ولی زمانی رسید که بعضی از این سرمایه‌دارها آن چنان سرمایه‌های بهم زدند و آن قدر قوی شدند که توانستند کالاهای خود را ارزانتر از سرمایه‌دارهای کوچک و ضعیف به بازار عرضه کنند و از این طریق سرمایه‌دارهای بزرگ دست‌اندازی کنند و آنها را به خود وابسته سازند. در این کشورها یک دسته آدمها بودند که به آنها سرمایه‌دار می‌گفتند. این سرمایه‌دارها در طول دو سه قرن با لشکر کشی و غارت کشورهای دیگر و اشغال این کشورها و الحاق خاک آنها به خاک خود سرمایه‌های کلانی بدست آورده بودند. این سرمایه‌ها که از کشورهای دیگر که به آنها مستعمرات می‌گفتند، به اروپا می‌آمد باعث رشد و پیشرفت کشورهای اروپائی شد.

یک موقع رسید که سرمایه‌های موجود در اروپا به حدی زیاد شد که دیگر نمی‌شده‌ها آنها

پیرامون حوادث کارخانجات قرقره ذرین
اعمال خود سرانه نسبت بکارگران محکوم است

گره‌ای که با استخدام شش کارگر باز میشد با
مشت و لگد و قداق تنگ حل نمیشود

طی یکی دو ماه اخیر یک سلسله حوادث در کارخانجات نخ و قرقره زرین اتفاق افتاد که منجر به دخالت ناروای کمیته‌ها، اخراج کارگر

افراد کمیته درگیر نمی‌شوند. اما افراد کمیته در کمال خود سری، گوئی با دشمنان انقلاب روبرو هستند، با قداق تنگ و مشت و لگد بر

میان سخنرانی ایشان می گوید: «بفرمائید انقلاب بعدی. آقای معین فر با عصبانیت می گوید: " اینها که پارازیت ولی می کنند، ضد انقلابیند و رو راست من نیامده ام با شما معامله بکنم »

بعد از این گفته خلاصه ای از حرفهای خود در باشگاه آبادان را تکرار می کند پس از آن بلند گوی دستی را به کناری گذاشته و از پشت میز به این طرف می آید.

در این هنگام خشم کارگرانی که برآستی بازوی آهنین انقلاب اسلامی ما بوده اند و بی شک چنانچه در انقلاب شرکت نمی داشتند انقلاب نمی توانست به پیروزی برسد، آری خشم کارگران سیه چهره پالایشگاه آبادان، این نبض اقتصاد میهن به اوج می رسد و به دنبال آقای معین فر می افتد در حالی که بعضی از آنها - کارگران - گویا قصد حمله به ایشان را داشتند.

در این اثناء که کارگران از گوشه و کنار پالایشگاه از آمدن معین فر با اطلاع می شوند به محوطه سخنرانی هجوم می آورند. حدود پنج تا شش هزار کارگر خواهان این می شوند که معین فر برایشان سخنرانی بکند. ولی کماکان ایشان از دیده کنجکاو کارگران پنهان میماند. بالاخره پس از اصرار کارگران و با وساطت نمایندگان کارگران تریبون برای ایشان آماده شده و ایشان پشت تریبون قرار می گیرند. کارگران می خواهند تریبون در زیر آفتاب باشد تا ایشان گرمای مهر ماه آبادان را احساس بکنند ولی متأسفانه این امر مسیر نگردید. به هر حال در حضور کلیه کارگران پالایشگاه (پنج تا شش هزار) ایشان یک بار دیگر شروع

به سخنرانی می کنند.

قبلا کارگران در باشگاه آبادان و کارگاه

مسکن شدیداً به فشار می آورند که مسئله مسکن چه می شود. مثلاً چند روز پیش کارگری که تازه ازدواج کرده بود به من مراجعه کرد و از من خواست انبار محل کارمان را تخلیه کنم و برای سکونت در اختیارش بگذارم از طرف دیگر ما اقداماتی جهت خانه هائی که تصرف عدوانی شده اند صورت داده ایم که متأسفانه مسئولین قضایی قبل از همه حکم تخلیه کارگران شرکت نفت را که بر اثر نداشتن منزل و بالا بودن کرایه خانه ناگزیر به سکونت در این خانه های شرکتی شده اند به آنها (کارگران) داده اند. اما من هرگز به خودم چنین اجازه ای را نمی دهم که ورقه تخلیه این خانه ها را امضاء کنم. آقای معین فر اگر می خواهند کارگران شرکت نفت را از منازل مسکونی آنها که حق طبیعی آنهاست بیرون کنند باید از جنازه من عبور کنند.

در این وقت آقای معین فردوباره پشت تریبون قرار گرفت ولی پاسخی به این همه مسائل ندادند و پس از لحظاتی در میان انبوه کارگران که از خشم خود را می خوردند سوار بر اتومبیل پاسداران شده و محوطه پالایشگاه را ترک نموده و به سمت ساختمان آنکس که در آن برنامه گفت و شنودی با نمایندگان کارگران داشتند حرکت کردند. در اینجا نیز مسائل دیگر از طرف دیگر نمایندگان کارگران مطرح شد.

پس از پایان سخنرانی ها و مباحثات فراوان آقای معین فر در ساعت ۵ بعد از ظهر به طرف تهران پرواز کردند. بعد از رفتن آقای معین فر مسئله ۵ روز کار در هفته باز مورد بحث قرار گرفت و کلیه نمایندگان به اتفاق آرا تصمیم گرفتند که همچنان روزهای پنجشنبه و جمعه را تعطیل نمایند.

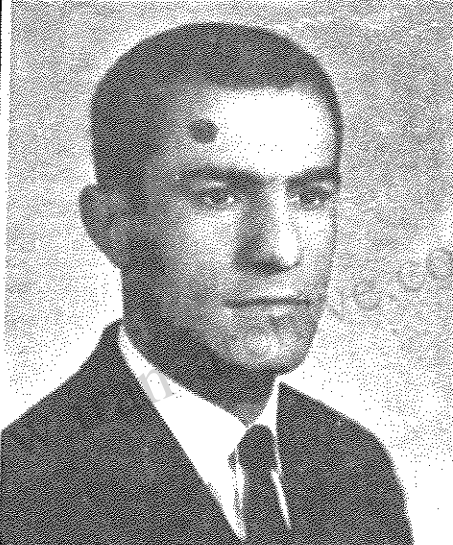
آبادان - ۵۸/۷/۲۷

رسیدگی کنید

خبری داشتیم از مرگ ناد علی قاسمی، کارگر شریف کارخانه کاغذسازی پارس هفت تپه. مرگ این کارگر، همان طور که در نامه یکی از کارگران شرح داده شده، در اثر نبودن وسائل ایمنی در کارخانه اتفاق افتاده است.

روز پنجشنبه گذشته کارگران از محل کارخانه با یک اتوبوس و حدود بیست اتومبیل جنازه ناد علی قاسمی را تا مسجد سلیمان تشییع کردند.

ما بنوبه خود مرگ این کارگر شریف را به همه کارگران و کارکنان گروه صنایع کاغذپارس و خانواده و باز ماندگانش تسلیت می گوئیم و از صفات خوب آس کارگر ماسر می آموزیم.



در رسمیهائی آرامه کاکا رکرا که به رنجبر فرستاده میاوریم مسئولین محترم نشریه رنجبر سلام

امید است که پیوسته در انجام وظایف خود نسبت به خلق موفق باشید. تا حالا تنها نشریه رنجبر ارگان مرکزی سازمان انقلابی توانسته بیانگر حرفها و مشکلات ما کارگران باشد.

همانطور که در شماره های قبلی رنجبر هم آمده است خواست مرکزی کارکنان کارخانه کاغذ سازی پارس انجام امر پاکسازی از عوامل طاغوتی و وابسته به رژیم سابق میباشد که متأسفانه تاکنون این مهم انجام نگرفته است. حرفهای کارگران در کارخانه و یا در مزرعه اینست که هفت تپه طاغوتی است و دست نخورده باقی مانده است. مسئولین دولتی با وجود اینکه از این محل بازدید کرده اند ولی تاکنون بقیه در صفحه ۶

افراد کمیته در گیر نمی شوید. اما افراد کمیته در کمال خود سر، گوتی با دشمنان انقلاب روبرو هستند، با قنذاق تفنگ و مشت و لگدبر سر و صورت کارگران کوبیدند. کارگران این عملیات وحشیانه را با فریاد خشمگین خود، بارفتار در زخمیان دوره طاغوت مقایسه میکردند. بعد از پراکنده کردن کارگران، پاسداران سه نفر از کارگران را با خود به کمیته مرکز بردند. در کمیته مرکز ۸ کارگر اخراجی منتظر رسیدگی به کارشان بودند و این سه کارگر نیز به آنها پیوستند. کارگران ساعتها در کمیته بلا تکلیف باقی ماندند. بالاخره بدون آنکه کلمه ای از آنها در مورد وقایع کارخانه برسیده شود، آنها را سوار ماشین زندان کردند.

کارگران که از سر نوشت خود اطلاعی نداشتند، مقاومتی نکردند ولی به شدت از این نوبه که به آنها شده بود رنج می بردند. پاسداران کارگران را با این ماشین به زندان اوین بردند و در کنار ضد انقلابیون و ساواکیها و قاچاقچیان و کسانی که علیه مصالح مملکت توطئه کرده اند، زندانی کردند.

کارگران نه روز را در اوین گذراندند و در این مدت از آنها باز جوتی به عمل آوردند و در آخر کار آنها را بی گناه دانسته و اعلام کردند: مشکل شما به وزارت کار مربوط میشود و رسیدگی به آن در صلاحیت ما نمی باشد. انجام این گونه اعمال نادرست که بوسیله افراد بی مسئولیت و گاه مشکوک که در لباس مامورین کمیته های امام، بروز می کند، ستم بزرگی در حق زحمتکش است. ادامه این خود سربها باعث ایجاد نا رضایتی و پراکندگی در صفوف خلق شده و به ضد انقلاب امکان سوء استفاده می دهد. تحکیم و ادامه انقلاب نیز از این طریق دچار لطامت جبران ناپذیری می گردد.

کارگران نه روز را در اوین گذراندند و در این مدت از آنها باز جوتی به عمل آوردند و در آخر کار آنها را بی گناه دانسته و اعلام کردند: مشکل شما به وزارت کار مربوط میشود و رسیدگی به آن در صلاحیت ما نمی باشد. انجام این گونه اعمال نادرست که بوسیله افراد بی مسئولیت و گاه مشکوک که در لباس مامورین کمیته های امام، بروز می کند، ستم بزرگی در حق زحمتکش است. ادامه این خود سربها باعث ایجاد نا رضایتی و پراکندگی در صفوف خلق شده و به ضد انقلاب امکان سوء استفاده می دهد. تحکیم و ادامه انقلاب نیز از این طریق دچار لطامت جبران ناپذیری می گردد.

« بیمه اجتماعی » کارگران سیمان نکا

کارگران کارخانه سیمان نکا چه میگویند؟ کارگران کارخانه سیمان نکا نمیدانند که این مشکل از طرف دولت حل شدنی است یا از طرف سازمان بیمه. چندی پیش دولت گفت میخواهیم طب را ملی کنیم. کاری که انجام نداد هیچ بلکه وضعیت را بدتر کرده است. مثلاً تعداد زیادی از پزشکان با شنیدن این حرف فرار کردند. بعضی از کارگران که دفترچه بیمه آنها تمام شده، وقتی به سازمان بیمه مراجعه میکنند، به آنها میگویند دولت به ما دستور تمدید اعتبار نداده و میگویند طب میخواهد ملی شود! بقیه از صفحه ۲

در زمان حکومت فرعون شاه، در کارخانهها به کارگران و کارمندان دو نوع دفترچه بیمه متفاوت میدادند. به کارگران دفترچه بیمه اجتماعی و به کارمندان دفترچه درمانی.

فرق بین این دو این بود که کارمندان از سطح درمانی نسبتاً بهتری برخوردار بودند. کارگران با دفترچه بیمه اجتماعی وقتی به دکتر میرفتند، دکترها بدون اینکه معاینه و یا آزمایشی بر روی مریض انجام دهند، چند قرص و یک شربت به مریض تجویز میکردند. از اینرو بیمه اجتماعی هم مشکل بزرگی بردوش کارگران بود.

رویدادهای جهان



مصاحبه با

نماینده جنبش آزادپخش خلق اریتره (۳)

* چه نیروهایی در اریتره مبارزه میکنند؟

ادامه مصاحبه خبرنگار رنجبر با رفیق "محمد میکائیل گاهای" مسئول روابط خارجی جبهه آزادپخش خلق اریتره "در اروپا" - چه نیروهایی در اریتره در حال مبارزه علیه دشمن هستند؟

ج - دو نیرو بر علیه رژیم اتیوپی می‌جنگند، "جبهه آزادپخش اریتره" و "جبهه آزادپخش خلق اریتره".

در ۲۵ اکتبر سال ۱۹۷۷ این دو سازمان یک توافقنامه امضاء کردند که مفاد آن در زمینه‌های مختلف در حال پیاده شدن است. برنامه حداقل این توافقنامه مبارزه هر جبهه علیه ارتجاع داخلی و امپریالیسم خارجی و بخاطر حفظ وحدت خلق و برای استقلال اریتره میباشد. این نکات در حال دقیق‌تر شدن است.

در مارس امسال، بعد از تهاجم اتیوپی این دو جبهه به یک توافقنامه جدید رسیدند و در آن دو جبهه تصمیم گرفتند که یک مبنای استراتژیک مشترک تعیین نمایند و با کامرستک نیروهای خود را چه در زمینه نظامی و چه در زمینه اطلاعات و تبلیغات و زمینه اقتصادی و غیره هدایت نمایند. بعضی از نکات این توافق نامه‌ها در سطوح مختلف در حال پیاده شدن است. برای مثال از رادیو "صدای توده‌ها" که متعلق به "جبهه آزادپخش خلق اریتره" در مناطق آزاد شده است یک برنامه مشترک اطلاعاتی و تبلیغاتی داریم.

در زمینه نظامی چه از نظر نیروی جنگنده و چه از نظر تجربه مبارزه، چه از نظر خط‌مشی سیاسی و چه از نظر تعداد افراد، بین دو جبهه تفاوت فاحشی وجود دارد. "جبهه آزادپخش خلق اریتره" در واقع هم در زمینه سیاسی و هم در زمینه نظامی در اریتره برتری کامل دارد. با اینهمه یک مبنای استراتژیک مشترک تعیین کرده‌ایم. اگرچه کاملاً اجرا نشد. "جبهه آزادپخش اریتره" تصمیم گرفت که در بخش غربی کشور عقب نشینی کند و در ساحل مستقر شود. این عمل در خدمت حفظ پایگاه استراتژی جنبش مقاومت نبود. بهرحال در سومین و چهارمین تهاجم اتیوپی یک سری عملیات نظامی مشترک بین دو جبهه صورت گرفته است.

اکنون موقعیت مناسبی برای همکاری مشترک وجود دارد. در زمینه سیاسی ما یک پلاتفرم سیاسی برای بحث در بین مبارزین و در درون سازمانهای توده‌ای ارائه دادیم. فکر میکنم که در روزهای آتی همکاریهای سیاسی که بسیار مهم و ظریف است و در عین حال

جبهه دیگری نیز هست بنام "جبهه آزادپخش اریتره، نیروی مردمی" که توسط عثمان صالح سبی هدایت میشود. این جبهه هیچگونه حضور نظامی در داخل ندارد، و میتواند بگوئیم که پایه سیاسی هم ندارد. در مورد این گروه ما همواره معتقد بودیم که آنرا به عنوان یک سازمان ملی نمیشناسیم. گروهیست که برای تحمیل یک راه‌حل نواستعماری برای مسئله اریتره ایجاد شده است. این سازمان از آمریکا و فرانسه و غیره و همچنین از رژیم شاه تقاضای دخالت در اریتره کرده و فعالیت‌های تفرقه‌انگیز داشته است ما با این باصطلاح "جبهه" و رهبری آن هیچ رابطه‌ای نداریم و نمیتوانیم بگوئیم که در عمل هیچگونه نقشی در انقلاب اریتره ندارد.

س - آیا ممکنست در مورد سلاح‌هایی که رژیم شاه به این گروه داده برایمان بگوئید. در ضمن، سازمان ما در ایران شعار "تمام مستنها بر علیه دوا بر قدرت" را میدهد. از صحبت‌های شما هم چنین شعاری را استنباط میکنیم. یعنی اینکه با تمام نیروهایی که میتوان متحد شد باید علیه دشمن وحدت کرد.

ج - درباره سؤال اول، رژیم شاه تعدادی از سربازان این گروه را برای آموزش به ایران برد و قبل از سقوطش نیز بیش از شش هزار تفنگ به این سازمان داده بود. که هم‌اکنون در انبارهای عربستان سعودی هستند.

اما در مورد نکته دوم، یعنی شعار جبهه در مورد وحدت خلق ما شعار "اتحاد، مبارزه، اتحاد" را میدهیم. یعنی سعی میکنیم تمام نیروهای ممکن را برای مبارزه علیه دشمن اصلی متحد کنیم و به این منظور همواره، حتی در برخورد داخلی هم این اصل را فراموش نمیکنیم که تضادهای داخلی خلق اریتره و داخل جنبش مقاومت اریتره، با حضور امپریالیسم تضادهای فرعی است و ضروری است که با هم متحد شویم و نیروهایمان را یکی کنیم تا با دشمن اصلی بجنگیم. در عین حال مبارزه کنیم تا تضادهای داخلی مان را بطور دمکراتیک حل کنیم. عناصری هستند که اگرچه اعلام میکنند مخالف استعمار اتیوپی و غیره هستند، ولی در عمل در خدمت نیروهای خارجی و برای منافع شخصی و گروهی خود کار میکنند و سعی دارند که اتحاد خلق اریتره را درهم بشکنند و از این طریق جنبش مقاومت مردم را نیز تضعیف نمایند. ما در مقابل این گروه و افراد موضع قاطع داریم و سعی میکنیم تا افراد ناآگاهی که توسط آنها

مصاحبه با سفیر جمهوری دمکراتیک خلق کره در تهران

بمناسبت سی و چهارمین سالگرد تاسیس حزب کارگران کره

۱۶ مهر ماه امسال مصادف با ۳۴ امین سالروز تاسیس حزب کارگران کره به رهبری کیم ایل سونگ است. باین مناسبت خبرنگار رنجبر مصاحبه‌ای را با سفیر جمهوری دموکراتیک کره در تهران ترتیب داد که در زیر می‌آوریم.

ما معتقدیم که تجارب کشورهای دیگر در امر انقلاب برای کشور و انقلابیون ما بسیار آموزنده است.

قبل از شروع مصاحبه، سفیر جمهوری دموکراتیک کره آقای چه - پیونگ - اوک از خبر نگار ما به خاطر توجه به امر انقلاب در کره و همچنین تهریک سی و چهارمین سالگرد حزب کارگران و از این احساس همبستگی سپاسگزاری کرده است.

س - لطفاً به طور مختصر راجع به حزب کارگران کره، حزب رهبری‌کننده کشور، همچنین خط‌مشی و برنامه آن شرح دهید.

ج - حزب کارگران کره در ۱۰ اکتبر ۱۹۴۵ تحت رهبری رفیق کیم ایل سانگ تشکیل گردید. این حزب بر بنیاد واقعی بنا شده بود زیرا از سال‌های اواخر ۱۹۳۰ پایه‌ها و اتحادیه‌های آن در مبارزه علیه امپریالیسم ژاپن آبدیده شده بودند.

هدف واقعی حزب ما ساختن سوسیالیسم و کمونیسم در کشور می‌باشد. حزب کارگران کره حزب رهبری‌کننده کشور و مردم کره است. لذا برای این امر کارها و اعضای خود را میان کارگران، دهقانان، دانشجویان و کلیه اقشار و طبقات فرستاده و از آنها اسانهائی سازنده برای کشور و ملت تربیت می‌نماید.

ایدئولوژی رهبری حزب ما مارکسیسم - لنینیسم و تحت رهبری کیم ایل سانگ میباشد که نه تنها دبیر کل حزب بلکه تشکیل دهنده آن نیز هست. حزب کارگران کره جهت سازندگی اقتصاد کشور و رفاه زندگی مردم کوشش میکند. همان طور که می‌دانید کشور ما یکپارچه نشده و امپریالیسم آمریکا با تمام توان خود در جدائی دو کره تلاش می‌کند. از این نظر دشمن اصلی خلق ما را تشکیل داده و به نظر ما انقلاب مردم کره به پایان نرسیده است. امپریالیسم آمریکا از مردم ما خیلی وحشت دارد مردم کشور ما، جمهوری دموکراتیک کره، چون انقلاب را تمام شده نمی‌دانند لذا با پشتکار و کوشش تمام به گرد حزب کارگران و رهبری آن متشکل شده و سخت برای پیشرفت کشور تلاش میکنند. و متقابلاً توده‌های خلق ما تکیه گاه اصلی حزب کارگران کره است. ما اسرار و تخریب‌ها را

نشستند ولی امپریالیسم آمریکا این گفتگوها را بر هم زد و با دخالت خود مانع اصلی در روند مذاکرات وحدت شد.

در سی امین کنفرانس سازمان ملل تمام کشورهای عضو، موافق وحدت دو کره بودند که به طور مسالمت آمیز حل شود ولی آمریکا با آن مخالفت کرد. در حال حاضر امپریالیسم آمریکا روی دو قسمتی بودن کره یا فشاری می‌کند و مایل است که برای همیشه دست نشاند خود را در جنوب کشور ما باقی نگاهدارد. روسای چاپلوس کره جنوبی هم با سیاست دنباله روی از آمریکا به این خواست صحنه گذارده‌اند.

حزب کارگران و دولت جمهوری دموکراتیک کره سه اصل را برای اتحاد دو کره پیشنهاد نموده و روی آن یا فشاری می‌کند.

اصل اول، اتحاد کره بدون دخالت بیگانگان و با مذاکره طرفین - اصل دوم، اتحاد کره مستقل از هر امپریالیستی، روی پای خود و با تصمیم مردم و اصل سوم، اتحاد کره از طریق مسالمت آمیز.

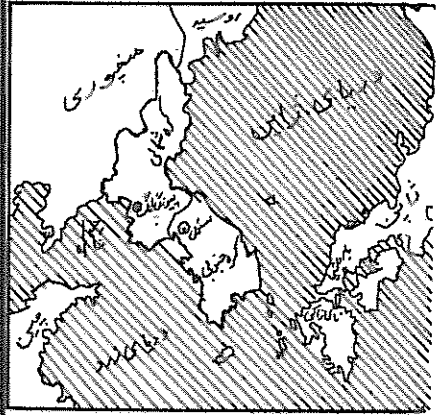
ما همواره روی این اصول یا فشاری نموده و جدا خواهان حل مساله از طریق مسالمت آمیز و بدون جنگ و خون ریزی هستیم. در حال حاضر امپریالیسم آمریکا و ژاپن دشمن جانی ما می‌باشند زیرا تمام مردم خواهان وحدت دولتی آمریکا و ژاپن مخالف آن و مخرب در اصل وحدت هستند.

س - از نظر اقتصادی و اجتماعی کشور شما در چه مرحله‌ای قرار دارد؟ لطفاً تکامل اقتصادی و فرهنگی خود را اجمالاً شرح دهید؟

ج - ملت ما تحت رهبری حزب کارگران کره برای ساختن سوسیالیسم کوشش می‌نماید و پس از ۳۴ سال از یک کشور عقب مانده تبدیل به یک کشور پیشرفته صنعتی شده است. در حال حاضر کشور ما دارای صنایع سبک و سنگین می‌باشد که بدست توده‌های زحمتکش ساخته شده است. ما قادریم همه کاری انجام دهیم. تمام کارخانه‌های ساخته شده به دست مردم ما بوده است. ما از استقلال کامل اقتصادی برخورداریم. ۷۲ نوع مواد خام را تولید کرده و یا در کشور بدست می‌آوریم. البته این بدان معنی نیست که با کشورهای دیگر رابطه‌ای نداشته و یا مبادله اقتصادی ننمائیم. چون معتقدیم در اصول اقتصادی یا با پای ویا توجه به سود متقابل و بدون داشتن رابطه استعماری اقتصاد کشور پیشرفت می‌کند.

برنامه هفت ساله دوم ما با هدف زیرین تدوین شده ۶۰ میلیارد کیلو وات ساعت برق در سال در کشور تولید گردد. سالانه بین

کشور ما تنها کشوری است که در آن مالیات وجود ندارد و این در جهان بی سابقه میباشد. تمام این پیشرفت‌ها با اتحاد و همکاری مردم و رهبری صحیح حزب کارگران کره به رهبری رفیق کیم ایل سانگ ممکن بوده است. هر کشوری به رهبر خود احترام می‌گذارد. مساله حکومت و رهبری برای هر کشور و ملتی مهمترین مساله است. اگر رهبر و حکومت درست بوده و بطور علمی مملکتی را رهبری کند، مطمئناً آن کشور بهشت خواهد شد، همانطور که در کشور ما این گونه است. رهبر ما معتقد است که باید در میان مردم بود و با آنها زندگی و مبارزه کرد، اگر مردم غذائی نا کافی دارند رهبر آن مردم نباید شکم پارگی کند او نیز بایستی مانند مردم بخورد و بیوشد.



س - نظر شما راجع به انقلاب ایران چیست؟

ج - عصر کنونی عصر استقلال کشورها و پیروزی مردم زحمتکش است. انقلاب ایران و نیکارگونه به تمام جهانیان نشان داد که هیچ قدرتی نمی‌تواند جلوی مردم بپا خواسته را بگیرد. سیستم فاشیستی شاه مخلوع از آنجاکه مخالف مصالح مردم ایران بود شکست خورد و مردم به پیروزی بزرگی نائل آمدند. تکرار میکنم که در جهان قدرتمندترین قوا فقط نیروی مردم است.

ما فکر می‌کنیم ایران مستقل شده ولسی انقلاب ایران راه درازی را در پیش دارد و مطمئن هستیم اگر مردم ایران تصمیم بگیرند خواهند توانست تا به آخر به پیش روند.

دولت کنونی ایران و رهبر عالیقدر آن آگاهانه رابطه خود را با اسرائیل و آفریقای جنوبی به خاطر فاشیستی بودن حکومت‌ها ی آن قطع کرد. ما این اقدام دولت ایران را ستایش می‌کنیم و امیدواریم دولت ایران رابطه خود را با دولت کره جنوبی نیز که یک دولت غاصب و مخالف نرمهای جهانی است قطع کند، داشتن رابطه با کره جنوبی عملاً مخالفت بسا خواسته‌های به حق مردم کره می‌باشد. حکومت کره جنوبی به مثابه حوضی است که ترک خورده و آب از درون آن هز می‌رود. ۳۰ سال کشور ما را غصب نموده و مردم ما را به فحشاء و فساد

در درون سازمانهای توده‌ای ارائه دادیم . فکر میکنم که در روزهای آتی همکاریهای سیاسی که بسیار مهم و ظریف است و در عین حال مهمترین بخش توافق بین دو جبهه بوده است شروع خواهد شد .

دو ابر قدرت :

بزرگترین تجار اسلحه

ایالات متحده که بزرگترین فروشنده اسلحه در جهان است ، ۴۵ % بازار معاملات سلاح را در اختیار دارد . بزرگترین مشتریان سلاح های شوروی عبارتند از : سوریه ، الجزیره ، اتیوپی ، لیبی ، هندوستان و آفریقای سیاه . جای تعجب است که این خبر گزاری از ویتنام ، کوبا ، افغانستان ، لائوس و غیره در لیست مشتریان درجه اول اسلحه شوروی اسم نبرده است .

طبق اطلاع خبر گزاری فرانسه ۵۸/۷/۳۰ فروش سلاحهای ساخت شوروی با سرعتی بیش از صادرات کشورهای غربی افزایش یافته است . در سال ۱۹۶۹ فروش سلاحهای بسوک شرق سی در صد فروش کشورهای عضو ناتو بود ولی در سال ۱۹۷۸ این میزان به ۳۶% رسیده است . ۴۰۰۰ میلیون دلار بالغ شد که این میزان به ۳۰ درصد کل معاملات سلاح در سطح جهانی را تشکیل می دهد .

۵۰ هزار کشته و ۴ میلیون گرسنه نتیجه تجاوز ویتنام به کامبوج

تشدید نموده است . آنها گروه گروه مردم را کشته ، در اقتصاد تخریب کرده و تاسیسات غذایی را نابود ساختند تا مردم کامبوج از گرسنگی بمیرند .

در ۲۲ اکتبر دولت کامبوج دموکراتیک طی اعلامیه‌ای عملیات جنایتکارانه دار و دسته رهبری ویتنام را که قصد دارند ملت کامبوج را نیست و نابود سازند محکوم ساخت . در اعلامیه مذکور گفته شده ، دار و دسته لودوان با وجود لشکر ۳۲۰ هزار نفری همچنان نتوانسته دسته‌جات پارتیزانی مردم کامبوج را از بین ببرد ، لذا اعمال وحشیانه و سیاست فاشیستی خود را تا حد نابودی ملت کامبوج

بحران نفت و سود کمپانیها

نیویورک - آسوشیتدپرس - در سه ماهه سوم سال جاری ، سود بعضی از شرکتهای نفتی فوق العاده افزایش یافت . درآمد شرکت نفت " آکسان " ، بزرگترین شرکت نفت جهان ۱۱۸ در صد افزایش یافت و در آمدهای " استاندارد اوپیل " ۱۹۱ در صد " کونوکی " ۱۳۴ در صد " موبیل " ۱۳۰ در صد و بقیه تا ۴۵ در صد بالا رفت .

وضعی که باعث به دست آمدن این سود سرشار شد عبارت بود از اختلال موقت در عرضه جهانی نفت به همراه افزایش شدید بهای نفت از جانب اوپک . در عین حال فروش نفت و گاز

در رنجبر شماره ۳۲ در اعلامیه سازمان انقلابی بخت گیلان اشتباهی صورت گرفته . لطفا به صورت زیر اصلاح فرمائید :
صفحه اول سطر هفتم " بعد از ظهر روز بعد " به صورت " بعد از ظهر همان روز " اصلاح شود .

طریق جنسی مقاومت مردم را نیز تضعیف نماید . ما در مقابل این گروه و افراد موضع قاطع داریم و سعی میکنیم تا افراد ناآگاهی که توسط آنها همراه شده‌اند بیدار نموده و شرکت آنها را در مبارزه میسر سازیم .

س - ممکن است راجع به دو قسمتی بودن کره و عوامل اصلی مشکل وحدت کره کمی صحبت کنید .

ج - پس از شکست امپریالیزم زاین در سال ۱۹۴۵ جنگ جهانی دوم ، سربازان آمریکا تحت رهبری مک آرتور سرزمین ما را اشغال نموده و جنگ جدیدی را به خلق ما تحمیل کردند . در فوریه ۱۹۴۶ کره را به دو قسمت تقسیم و قسمت جنوبی آن را تحت رهبری فردی ارتجاعی به نام سینگام ری بوجود آوردند . از آن تاریخ تا کنون حزب کارگران کره ۱۵۰ مرتبه طسرح پیشنهاد اتحاد دو کره را که سازمان ملل در سپتامبر ۱۹۴۷ پیشنهاد کرده بود ارائه نمودیم . ولی متأسفانه تا کنون موفق به اتحاد دو کره نگردیده است .

مانع اصلی را باید دخالت امریکادانست نفع امپریالیسم آمریکا در وجود این دو کره این است که بازار وسیعی در جنوب خواهد داشت تا اسلحه و اجناس خود را غالب کند . قبلا نمایندگان دو کره بارها با هم به گفتگو

برنامه هفت ساله دوم ما با هدف زیرین تدوین شده ۶۰ میلیارد کیلووات ساعت برق در سال در کشور تولید گردد . سالانه بین ۷۰/۰۰۰/۰۰۰ الی ۸۰/۰۰۰/۰۰۰ تن ذغال سنگ و ۱۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰ تن چدن رنگین و ۱۲ میلیون تن چدن تولید گردیده و ۵/۰۰۰/۰۰۰ تن ماشین آلات و ۱۰/۰۰۰/۰۰۰ میلیون تن تولیدات غله در سال برسد . از هر هکتار زمین ۸ تن برنج بدست می آوریم و ۲/۵ الی ۴ میلیون تن ماهی در سال صید می کنیم . کود شیمیائی ۵/۰۰۰/۰۰۰ تن در سال تولید می شود و ۱۲ میلیون تن سیمان در سال .

همه این ارقام نشان می دهند که در کشور ما به واسطه انقلاب و تحت رهبری یک حزب راستین تحول بزرگی به وقوع پیوسته است . کشاورزی ما در حال مکانیزه شدن کامل و استفاده کامل از کود شیمیائی است . استفاده از آبیاری و برق در امر کشاورزی پیشرفت چشم گیری داشته است .

پیشرفت آموزش و پرورش در کشور ما بی سابقه بوده است . ۳/۵ میلیون کودک و ۵/۵ میلیون دانش آموز و دانشجوی با هزینه دولتی تحصیل می کنند .

قبل از سال ۱۹۴۵ در دوران استیلای امپریالیسم و استعمار ، کشور بسیار عقب مانده بود . فقط یک راننده قطار به شکل متخصص مشغول کار در کره بود در حالی که هم اکنون ۱۰۰۰/۰۰۰ متخصص برنامه‌های عمرانی کشور را به پیش می برند . فرهنگ ملی نیز پیشرفت چشم گیری داشته است .

کره جنوبی به مثابه حوضی است که ترک خورده و آب از درون آن هرز می رود . ۳۰ سال کشور ما را غصب نموده و مردم ما را به فحشاء و فساد کشانیدند و سیستم امپریالیسم را تقویت نمودند .

س - آیا پیامی برای مردم ایران دارید ؟

ج - در خاتمه ما میایم از طریق شما به ملت ایران بگویم دوستی ملت‌هایمان و دولت‌های ضد امپریالیستی یک اصل اساسی است . هم اکنون ما از وجود دو کره و تجزیه ملت‌مان رنج می بریم . امپریالیسم متجاوز آمریکا با دخالت خود و نگهداری ۵۰/۰۰۰ سرباز باعث چنین جدائی می باشد . ارتش آمریکا باید به سرعت خاک کره را ترک کند و اتحاد دو کره از طریق مسالمت آمیز حل شود . سرنوشت پارک و شاه یکی بود . این مساله نشان داد که سر نوشت فاشیست‌ها یکی است .

ما وقتی داریم که می گوید " مسائل واقعی همواره واقعی خواهند ماند " . یعنی کره زمین به گردش خود ادامه می دهد و کسی نمی تواند آن را متوقف کند . همین طور انقلاب مردم و استقلال کشورها را نیز کسی نمی تواند سد نماید . توده‌ها سازندگان تاریخند .

ما همواره با مردم ایران رابطه صمیمانه داشته و سعی می کنیم آن را حفظ نمایم . امیدوارم که مردم ایران سعادتمند بوده و با استقامت و پایداری در راه انقلاب خود به پیش روند .

۲۷۰ نفر مزدور بدست انقلابیون افغانستان کشته شدند

بختیار فرستاده شده بودند زد و خوردی بوقوع پیوسته که چندین سرباز کشته و چهار تانک منهدم شده است .

دز این گزارش گفته می شود پس از این در گیری تعدادی از سربازان همراه با ۲۴۰ تفنگ ساخت روسیه و هفت خود روی نظامی به انقلابیون پیوسته‌اند .

طبق خبر حزب اسلامی افغانستان تعداد زیادی از سربازان دولت امین در برخورد به مبارزین استقلال طلب در استان پاکتیا کشته شدند . همچنین ۳۵۰ نفر از سربازان افغان به صفوف خلق پیوسته‌اند .

طبق خبر دیگری در ۲۸ مهر طی زد و خوردی در نزدیکی کابل ۱۰۰ سرباز دولتی به جبهه مبارزین پیوسته‌اند .

ساعات منع عبور و مرور در کابل یکساعت اضافه گشته است .

در شهرستان (لنک) در یک کیلومتری باوعلی بعد از یک زد و خورد بین انقلابیون و نیروهای دولتی که دو ساعت ادامه داشت ، یک نفر دبیر خلقی نما کشته و یک کامیون حامل کمک به نیروهای امین مزدور به آتش کشیده شده و تعداد زیادی اسلحه و مهمات جنگی به دست آمده و چند تن از مزدوران امین به گروگان مجاهدین درآمدند .

طبق اخبار خبر گزاریهای جهان ، انقلابیون افغانستان اعلام کردند در جریان دو برخورد با رژیم مزدور امین ۱۲۰ نفر از سربازان دولتی را کشته‌اند .

حزب اسلامی افغانستان طی اعلامیه‌ای که روز ۲۲ آبان در پشاور منتشر کرد ، گفت انقلابیون در یک دهکده ۶۰ سرباز را کشته و چهار تانک دولتی را منهدم نموده‌اند . ۶۰ سرباز دیگر نیز در نزدیکی کابل کشته شده‌اند . طبق همین اطلاعیه بین نیروهای ارتش امین که برای جنگ با نیروهای انقلابی به ایالت

طبق اطلاعی که از دفتر جمعیت اسلامی افغانستان " به ما رسیده در استان هرات شهرستان شکیبان فوش رباط ، بین انقلابیون و مزدوران رژیم طی یک زد و خورد شدید ۲۷۰ نفر از مزدوران رژیم وابسته امین کشته و سلاحهایشان به غنیمت برده شد . همین خبر حاکی است که شب ۵۸/۷/۲۳ در نزدیکی پل مالان از اول شب تا صبح طی نبرد خونین ، انقلابیون تلفات سنگینی را بر مزدوران رژیم وارد نموده‌اند .

یک سخنگوی جمعیت اسلامی خبر داد که مجاهدین با نیروهای حزب حاکم خلق در رستا کارندان به نبرد پرداختند که در طی آن ۲ نفر از آنها کشته و مدرسه آنجا که صحنه زد و خورد بود به آتش کشیده شد . در این نبرد چهار قبضه اسلحه و ۳۵۳ تفنگ و یک تراکتور دولتی به غنیمت برده شده است .

طبق اخبار رسیده از دفتر " جمعیت اسلامی " ، در افغانستان روز سه شنبه ۵۸/۷/۳



مزارع و قنات‌ها را دهقانان ساخته‌اند نه اربابان

آقای دکتر ایزدی وزیر کشاورزی در گفتگویی با خبرنگار خبرگزاری پارس، در دفاع از مالکیت در کشاورزی مطالبی اظهار داشته‌است که بیان آن از طرف یک وزیر دولت انقلاب عجیب به نظر می‌رسد. دکتر ایزدی گفتند: "اگر به کشاورزی ایران نظری بیاندازیم میبینیم که تمام مزارع و قنات توسط کسانی احداث شده که مالک بوده‌اند." (تاکید از ماست).

باید پرسید که آقای وزیر کشاورزی این مطلب را بر اساس کدام واقعیت تاریخی بیان کرده است؟ در کجای طول تاریخ گذشته ایران، "مالکان" یعنی فئودالها و زمینداران بزرگ، نقشی در تولید و احداث مزارع و قنات داشته‌اند؟ مزارع و قنات، محصول کار طاقت فرسا و استثمار بیرحمانه‌ای بوده که در طول

دهقانان او مل (نگا)

پیروز شدند

بود که تو در زمین ما گندم کاشتی و ما حق تو را داده‌ایم. دیگر ما نوکر تو نیستیم و دیگر ما گندم سبز و یا پنبه جمع نشده‌به‌تون می‌فروشیم. پاسگاه نگا آنها را به‌دادگاه ساری می‌فرستد. در تاریخ ۵۸/۷/۱۲ دهقانان به‌دادگاه انقلاب ساری می‌روند و شکایت میکنند که ما را بی‌کار کردند و هر روز این پاسگاه، اون پاسگاه و یا سرزمین می‌آیند و نمی‌گذارند ما به‌کشاورزی خود برسیم. دادگاه انقلاب میگوید شماها به سرزمین خود بروید و به‌کار کشاورزی خود برسید. کسی حق آن را ندارد شماها را به‌اینجا و آنجا بکشاند و ما به‌کار شما رسیدگی می‌کنیم، در ضمن این کشاورزان ۵ نفر نماینده دارند و آنها همه جا با نمایندگان خود می‌روند و از آنها پشتیبانی می‌کنند.

در تاریخ ۵۸/۷/۱۵ دو نفر از پاسداران دادگاه انقلاب به‌ده می‌آیند و میگویند امروز دادگاه غفاری است هرکس از او شکایت دارد به‌ساری بیاید و چند نفر از جوانان همان شب که باران شدیدی می‌بارید به‌همه دهقانان خبر دادند که فردا دوشنبه ۵۸/۷/۱۶ همه باید در دادگاه انقلاب ساری باشیم و در همان روز ۸۰ نفر از دهقانان در دادگاه انقلاب ساری

گزارش زیر را دهقانان او مل بدنبال گزارشات قبلی بعد از پیروزی برایمان فرستادند: دهقانان ده او مل همچنان به‌مبارزه خود علیه ارباب غفاری و برای خودکفایی کشاورزی خود ادامه می‌دهند. در چند شماره رنجبر چند گزارش از ده او مل مازندران داده شد. مردم این ده با اتکا به نیروی خود شب و روز آنگندمی که ارباب غفاری در زمین آنها کاشته بوده نگهداری داده و پس از درو محصول گندم حق نگهداری خود را که ۳۵ کیسه گندم می‌باشد گرفتند و بقیه را که ۱۵۰ کیسه بود به غفاری دادند.

پس از درو گندم، زمین را بی‌کار نگذاشتند و برای خوراک دام خود در زمستان در آن علف کاشتند تا گوسفندان آنها در زمستان تلف نشود و هم اکنون ۱۶ هکتار زمین زیر کشت پنبه می‌باشد و مشغول برداشت پنبه هستند. در روز ۵۸/۶/۲۵ از گروهان زاندارم ساری چند فوردگاز از زاندارم‌ها برای پس گرفتن از کشاورزان، بسرزمین می‌آیند. دهقانان ده به‌ساری می‌روند و شکایت می‌کنند. دادگستری ساری آنها را سرگردان نگاه می‌دارد. دهقانان دیدند که خود را وابسته به دادگستری کردند،

دست این فئودال جنایتکار را از «اسلام» تپه کوتاه کنید

تهران برود از این باز جوتی سر باز می‌زند. پس از آن بعد از دو روز شروع می‌کند به بستن افترا و شایعه پراکنسی علیه معلمین و یکی از دهقانان و معتمد محل که اینها دزد هستند و به خانه‌های مردم حمله می‌کنند. و از این حرفها این مسئله را طی نامه‌ای که به اهلاء اقوامش و دار و دسته‌اش می‌رساند و ما را در دادگاه می‌خواهند. پس از حضور در دادگاه آنها که زمینه قبلی درگیری را چیده بودند به ما با کارد و چاقو حمله ور می‌شوند و عامل اصلی درگیری در دادگاه هم خود "اراز محمد" می‌باشد و خود او در زخمی کردن افراد شرکت مستقیم داشته‌است. این شخص بعنوان عامل مخرب در ده مطرح می‌باشد او از اینکه ما می‌خواستیم در ده مدرسه بسازیم جلو گیری می‌کرد و حتی بعد از آن هم تمام شیشه‌ها و پنجره‌های این مدرسه را شکستند. ما در ده شورای اسلامی بوجود آوردیم و اعلام کردیم آنها (منظور افراد "اراز محمد") بیایند شرکت کنند ولی نیامدند. در هر حال ما از دولت می‌خواهیم جلو شرارت و تجاوزات این افراد را بگیرد که امنیت این روستا را ۲۲ سال هست که بهم زده‌اند و از طرف دیگر تقاضای رسیدگی هر چه زودتر به زمینهای غصبی را داریم که این هم به حل شدن مسئله ما کمک خواهد کرد. امیدوارم دادگاهی که هم اکنون در مورد این درگیری تشکیل می‌شود منصف و بی‌غرض باشد و جانب عدالت را بگیرد."

زخمی شدگان عبارتند از: ملا نظر - حاجی بایرام - آق قوایی - نور محمد - نور الله کر - آشور دوردی - حاجی محمد.

رسیدگی به زمینهایی که این مالکین طاغوتی می‌خواهند به عنوان ثروت و پایگاه استفاده کنند، اقدام کند تا خلق ترکمن از این فضای تازه آزادی و عدالت اجتماعی بهره‌مند گردد. ما با زخمی شدگان حادثه مصاحبه‌ای داشتیم. در زیر صحبت‌های یکی از آنها را می‌آوریم. این شخصی از ثناکارترین افراد ده می‌باشد که ضمناً عضو شورای ده هم هست و در زمینه خدمت به خلق در هیچ زمینهای کوتاهی نکرده‌است. نور الله کر (معلم روستا که از فسمت سگم چاقو خورده): "ما تپه‌ای در ده داریم که تا سال ۴۱ مرتع بود و بعد از آن هم بصورت مرتع استفاده می‌شد. منتهی "اراز محمد" خدایار (ترنجیک) که حامی او "مزین" بود این مرتع را به‌زور عصب کرد. ما سعی کردیم در این مورد اعضاء جمع آوری نمائیم و شکایت کنیم. "اراز محمد" از آنجائی که از این شکایت وحشت داشت سعی کرد نسبت به افرادی که این شکایت را کرده بودند تحریکات و مزاحمت‌هایی بوجود آورد. حتی در ۱۰ شهریور جلو یکی از اعضاء کنندگان را می‌گیرد و او را با اتومبیل تعقیب می‌کند و چون موفق نمی‌شود به سوی این شخص به کمک دو فرزندش تیراندازی می‌کند (۳ - ۲) که منجر به خونریزی شدید یکی از زنان ده می‌شود که بیماری او هنوز هم ادامه دارد. او آن چنان ترس و وحشتی بوجود آورده بود که همه سر به بیابان نهادند و این مسئله اکنون هم وجود دارد. ما این مسئله را با فرمانداری و سپاه پاسداران در همان موقع اطلاع دادیم. سپاه پاسداران او را احضار می‌کنند ولی او به بهانه مریضی و اینکه باید به

" دولت چه دست می‌خواهد مسئله روستائیان و فئودالها را حل کند و دست این فئودالها را از روستاهای ما کوتاه کند؟ چرا دولت در مورد حرنسی نه می‌زند عمل نمی‌کند؟ چرا صحبت از هیئت انضامی می‌کند و اینها در روی کاغذها باقی می‌مانند؟ آیا روستائیان ما در دهات نباید امنیت داشته باشند؟ و شما روزنامه "رنجبر" فریاد ما را به گوش دولت برسانید و بنویسید چرا به شکایاتی که ما علیه مالکین کرده‌ایم هیچگونه ترتیب اثری نداده‌اید؟ منتظرید که چندین نفر کشته و ستل عام شوند تا رسیدگی کنید؟ بفرمائید این هم زخمی‌های ما... "

اینها گوشه‌ای از دردهای دهقانان ترکمن اسلام تپه بود. اخیراً تحریکاتی از طرف "اراز محمد خدایار (ترنجیک)" شده که موجب زخمی شدن عده‌ای از روستائیان شریف ترکمن ما به وضع فجیعی شد.

روستای اسلام تپه (شاه تپه سابق) در ۱۴ کیلومتری گرگان قرار دارد. جمعیت آن حدود ۱۰۰ خانوار می‌باشد.

در تاریخ ۵۸/۸/۱۱ تحریکاتی که از طرف "اراز محمد خدایار" شده بود باعث درگیری شد و عده زیادی از روستائیان ما قربانی این تحریکات و تجاوزات شوم این گرد شده‌اند. چرا که او نماینده "علی خانی" یکی از ساواکیهای تهران و "مزین" نماینده شاه بود و اکنون هم به همین نام می‌خواهد باشد. چنین گزارشی را ما باین خاطر تهیه کرده‌ایم تا همداری برای دولت باشد و هر چه سریعتر، در مورد پاکسازی افراد از روستاها و

جنبش بازگشت به کشاورزی در شهریار

بودم)، مردم با شوق فراوان در عرض یک ربع حدود یک هکتار زمین را شخم زدند. زن و مرد و بچه‌های کوچک با دست گلخوها را خرد می‌کردند.

از آن طرف عده‌ای سودجو به‌کمینه رفته و گفته بودند اینها مسلح هستند که سر زمین رفته‌اند. بعد از طرف کمیته آمده بودند که به جز زمین در حال شخم و زن و بچه و عکس آقای طالبانی چیزی ندیده بودند.

در ضمن باید بگویم که این زمینها را موقوفه عام کرده بودند و با این حال حدود ۱۸ الی ۱۹ سال شاید بیشتر است که این زمینها کشت نشده‌اند. و همین شخص ارباب خود سرانه و به میل خود چند قطعه زمین ۷۰ هکتار و ۱۰ الی ۸۰ هکتار را فروخته و پول آن را خورده که باید فکری نیز به‌حال آن کرد.

دوستان عزیز ما، در شهریار اربابان زیادی بودند و هستند که به‌زور در کرامی تابستان و در سرمای زمستان با خون مردم بیچاره باغها را آباد می‌کردند. و اکثر زمینهایی که تا به حال کشت نشده نیز مال همین کثافتها می‌باشد.

همراه با فرا رسیدن پائیز شوق کشاورزی، به ویژه کشت گندم در چندین روستای شهریار اوج گرفته‌است. این شور و شوق از جمله در دهات قجر آباد، ملازدقیه، حصارک، اکبر آباد و قوشچی مشاهده می‌شود.

جنبش بازگشت به کشاورزی و کشت گندم در قریه‌های قجر آباد و علی آباد با یک نشست شبانه در مسجد قجر آباد نطفه بست. دهقانان به طور جدی تصمیم گرفتند زمینهای مالک را که بایر افتاده و حدود ۱۴۰ هکتار است بزیرکشت در آورند. در این نشست عمومی دهقانان تشخیص دادند که می‌توانند ۴۰ هکتار را به‌زیر کشت پائیزه در آورند و بقیه را با تامین آب در بهار کشت کنند.

دهقانان بحث کردند که چگونه کشت گندم ما را از خرید گندم خارجی بی‌نیاز می‌کند و همه اهالی هم قسم شدند که تا پای جان در این راه همدیگر را یاری کنند. ۱۲۰ خانوار قجر آباد در این کار مشترک کشاورزی سهیم اند و شش نفر را به عنوان مسئول کشت زمین تا تحویل گندم انتخاب کردند و هر خانوار ۴۵۰ تومان

روستای قصبه یکی از دهات شهریار از نواح کرج می‌باشد. پس از طی ۷ کیلومتر جاده آسفالتی از علی‌ناهی عبوحی به طرف رباط کریم به یک جاده فرعی که خاکی است می‌رسیم. این جاده خاکی پس از طی ۲/۵ کیلومتر به روستای قصبه می‌رسد.

روستائی با ۸۰ خانوار سکنه با جمعیتی بیش از ۵۰۰ نفر که دارای یک حمام و یک مدرسه و یک مسجد می‌باشد. به‌مداری روستا به‌علت نداشتن دکتر چند وقتی است که بسته شده است.

اخیراً در این روستا که زندگی مردم از راه کشاورزی می‌گذرد، اهالی اقدام به یک عمل انقلابی (بهنقل از خودشان) کرده‌اند و زمینهای کشت شده‌ای را که متعلق به ارباب ده به نام رحمت الله‌خان می‌باشد، شخم‌زده و اقدام به باسیدن بذر گندم کردند.

یکی از کشاورزان چنین تعریف میکند: "بعد از اینکه امام فرمودند زمین‌هایی که کشت نشده‌اند باید به‌زیر کشت بروند، اقدام به نوشتن نامه‌ای به‌کمینه و بعد جهاد سازندگی

به ساری می‌روند و شکایت می‌کنند. دادگستری ساری آنها را سرگردان نگاه می‌دارد. دهقانان دیدند که خود را وابسته به دادگستری کردند، کاری برای آنها انجام نمی‌دهند، جز سرگردانی چند نفر از جوانان میگویند ما برای چه اینجا هستیم؟ ما بسز زمین می‌رویم و هر که ما را کار دارد به آنجا بیاید.

همه با هم از زن و مرد مشغول گرفتن محصول پنبه میشوند. تاکنون چند نیشان بار پنبه به ده بردند و در تاریخ ۵۸/۷/۹ ارباب غفاری شکایت می‌کند و میگوید دهقانان ده اولم پنبه مرا به خانه می‌برند. دهقانان که ۵۰ نفر می‌شدند به‌زانداری ننگ می‌روند و میگویند ما پنبه کاشتیم و محصول آن را ما به خانه می‌بریم و اگر دیدی که گندم به تو داده‌ایم برای این

فارس - کوشک هزار بیضا ۱۶۰ خانوار کشاورز

تأمین کشت و کار می‌خواهند

ساعت ۴ بعد از ظهر روز دوشنبه روبروی بنیاد مستضعفان حدود ۱۰۰ نفر از خشک‌نشینان اطراف شیراز متحصن شده بودند. وقتی برای کسب خبر به میان آنها رفتیم یک گرمی و شوق فراوان ما را به میان گرفتند و یک نفر به عنوان نماینده موضوع را باین صورت شرح داد:

مردم قریه کوشک هزار بیضا یک قطعه زمین لم بزرع را شروع به آباد کردن نمودند. ما حدود ۱۶۰ خانوار بودیم که برای خرج این زمین و آبادی آن مجبور شدیم هر کدام وسایل زندگی خود را بفروشیم. مقدار قابل توجهی پول خرج شده ولیکن حالا دو نفر از دهقانان این قریه و یک نفر از مالکین به نام منصور بیضاوی در کار ما اخلال می‌کنند.

در موقع بدر کاشتن هر ساعت به واسطه پاسگاه مربوطه و صد نفر از روحانی‌نماهای جیره خوار موجبات ناراحتی این ۱۶۰ خانوار را فراهم می‌کنند و آنها را از کار و کوشش برای سازندگی باز می‌دارند. ما باین خاطر دست‌به‌باد کردن این زمین‌ها زدیم تا دستور سرور معظم و مقام مکر آیت الله خمینی را اجابت کرده باشیم. و یکی دیگر از علل این کار ما بیکاری هر ۱۶۰ خانوار بود.

بهر ترتیب از مقامات مسئول تقاضا داریم در حق این مستضعفان خود را مسئول بدانند. در این لحظه سه نفر از خودشان بعنوان نماینده به اسامی محمد شلتوک کار و علی بیضاوی و نواز الله طرحاتی برای مذاکره وارد سالن بنیاد مستضعفان شدند و بعد از چند

دادند که فردا دوشنبه ۵۸/۷/۱۶ همه باید در دادگاه انقلاب ساری باشیم و در همان روز ۸۰ نفر از دهقانان در دادگاه انقلاب ساری جمع میشوند. دهقانان به رئیس دادگاه میگویند اگر غفاری سند زمین را دارد بیاید زمین خود را بگیرد. و در ضمن چند نفر از دهقانان سند مالکیت زمین را که هر کدام چند هکتار میشود دارند. غفاری هیچ سندی ندارد. رئیس دادگاه انقلاب به غفاری گفت که تو ۴۰ سال کاشتی و خوردی حال خود دهقانان می‌کارند و میخورند دهقانان همه با نمایندگان خود دوباره به ده برمی‌گردند.

در ضمن غفاری یکی از رباخواران شهر ننگ می‌باشد و چند هفته پیش در دیوارهای شهر ننگ نوشته شده بود که هر که از غفاری رباخوار شکایت دارد به کمیته ننگ بیاید

از اینکه امام فرمودند زمین‌هایی که کشت نشده‌اند باید بزیر کشت بروند، اقدام به نوشتن نامه‌ای به کمیته و بعد جهاد سازندگی کرج کردیم و قرار شد که فردای همان روز از طرف جهاد سازندگی چند نفری بیایند تا وضع زمینها و بعد وضع مستضعفان ده را رسیدگی کرده و راجع به امر فوق اقدام نمایند. متأسفانه آنها نیامدند و امر فوق ملغی ماند.

پس از اینکه این کار ملغی ماند پیش خودم گفتم که چه کسی انقلاب کرد؟ آیا مستکبران بودند که انقلاب کردند؟ که درست نیست چون شکشان سیر بود، پس این مستضعفان بودند که دست زن و بچه خود را گرفتند و رفتند جلوی گلوله و شعار دادند پس این دولت و این انقلاب و رهبری در خدمت مستضعفان است و دلیلی ندارد که ما از مستکبری مثل رحمت الله خان برترسیم. چون اولاً دستور رهبر انقلاب را مبنی بر کشت زمینهای خالی اجرا کردیم و دوم اینکه دولت پشتیبان ماست پس بیل را برداشتم و گفتم باید انقلابی عمل کرد و بطرف زمین راه افتادم که جمعیت ده به جز عده معدودی دنبال من الله اکبر گویان به طرف زمین راه افتادند. وقتی که سر زمین رسیدیم (تا به حال همچنین نیروئی ندیده

که خود را قهرمان دمکراسی و مبارزه علیه انحصارطلبی میدانند، استبداد و انحصارطلبی را به شدیدترین شکل آن اعمال میکنند و مدرسه را به جولانگه نظرات فرقه خود تبدیل کرده‌اند. این دسته اخیر، علاوه بر تبلیغ انحصاری نظر خود، از مدرسه که باید پایگاهی برای ادامه و تعمیق انقلاب و سازندگی مملکت باشد، سکوی پرشی برای حرکت اخلاک‌گرا نه خود علیه انقلاب و جمهوری اسلامی ساخته‌اند و آتی از کشاندن دانش آموزان به خیابان‌ها برای ایجاد هرج و مرج و آشوب غافل نمیشوند. آنان بدین ترتیب، نوجوانان مملکت را که باید سازندگان ایران آباد و آزاد فردا باشند، به ابزارهای اعمال سیاست ضد ملی و مخرب خود تبدیل میکنند و این خیانتی بزرگ به انقلاب محسوب میشود.

روشن است که یک عامل مهم بوجود آمدن و رشد این جریانات انحصارطلبانه و بخصوص جریان انحصارطلبانه چپ‌نا، سیاست غلط مسئولین امر در ممنوع کردن تبلیغ سیاسی در مدارس است. این ممنوعیت، نه تنها نمیتواند جلوی تبلیغات ضد ملی گروههای چپ‌نما را بگیرد، بلکه انحصارطلبی راست و "چپ" را بمثابه همزاد خود همراه داشته و نتیجهای جز ضرر عاید انقلاب نمیکند.

تنها راه مبارزه علیه همه انحرافات، علیه همه انحصارطلبی‌ها، اجازه و امکان دادن به رشد آزاد و سالم برخورد عقاید است.

در سرمای زمستان با خون مردم بیچاره باعها را آباد می‌کردند. و اکثر زمینهایی که تا به حال کشت نشده نیز مال همین کثافتها میباشد. حالا زمانی رسیده که مردم شهریار مخصوصاً دهقانان غیر مرفه و کارگران کشاورزی که زمین ندارند با هم یکی شده تا حق خود را از این اربابان بی‌پدر و مادر بگیرند.

آخر بعضی‌ها ایشان ادعا می‌کنند که زمینشان سند دارد و ما می‌گوییم هیچ سندی بهتر از پینه دست این مردم و چروک پیشانیان نیست. از خود یاری و تعاون مردم قصبه شهریار درس می‌گیریم تا همچون آنان یکی شویم. و برای آنان آرزوی موفقیت داریم. در ضمن قرار است که یک شورای ۵ نفری در کرج از نماینده دادگاه انقلاب اسلامی و نماینده وزارت کشاورزی و سفیر از اهالی روستا به نمایندگی از طرف مردم حضور بهم رسانند تا تکلیف این زمینها روشن شود. و در ضمن در این عمل انقلابی اشخاصی که زمین زیاد هم دارند شرکت کرده‌اند و اسم آنها نیز جزو اسامی می‌باشد. ولی همه باخاطر مستضعفان اینکار را کردیم. و الا آن حدود ۳۰ هکتار را شخم می‌زدیم و بذر پاشیدیم.

افکار درست، در مبارزه با افکار نادرست رشد می‌یابند. اگر تبلیغ سیاسی در مدارس ممنوع باشد، چگونه میتوان به کمک نظرات درست به افشای نظرات نادرست برخاست؟

ممنوعیت تبلیغ نظرات سیاسی در مدارس هیچ چیز نیست جز آزادی برای تبلیغ نظرات انحرافی نادرست و ضدانقلابی. از آنجا که نمیتوانیم جلوی ابراز نظرات و تبلیغ عقاید نادرست و انحرافی را بگیریم، پس راه تبلیغ عقاید درست و انقلابی را بنه‌دیم تا نظرات انقلابی بتواند آزادانه با نظرات انحرافی به مقابله بایستد.

گفتگو با نماینده

از مجتمع های کشاورزی که صادره شده. ۴ - گزارش هرچه سریعتر گروه ۵ نفری در مورد تقسیم زمین‌ها به فرمانداری ۵ - مشخص کردن اختیارات و وظایف نماینده بنیاد مستضعفین

ما از اقداماتی که مهندس ملکی نماینده بنیاد مستضعفان در گرگان انجام داده‌اند و انجام خواهند داد تحسین میکنیم. علاقمندی ایشان نسبت به کارشان نشانه تعهدشان نسبت به انقلاب است که هم مردم و هم مسئولین شهر باید به این امر توجه نمایند.

در این کار مشترک کشاورزی سهیم اند و شش نفر را به عنوان مسئول کشت زمین تا تحویل گندم انتخاب کردند و هر خانوار ۴۵۰ تومان حق عضویت پرداخته است.

یکی از تصمیمات خوب این دهقانان این بود که زمین و کشت گندم برای همه دهقانان اعم از با زمین و بی زمین باشد، این عمل توانست همه اهالی را در مقابل مالک متحد کند. نظرات دیگری هم بود از جمله اینکه چند نفری می‌گفتند زمین فقط به بی زمین‌ها بدهیم و یا نظرات شورای ده که دو پهلو حرف می‌زنند و در واقع طرفدار مالک بودند (این شورا از طرف نماینده فرماندار قبلی کرج به مردم تحمیل شده بود.) اما اتحاد اهالی مانع رشد این نظرات نفاق افکنانه بود.

متن زیر را اهالی فجر آباد و علی آباد در نشست خود در مسجد تهیه نموده و امضاء کردند.

بسمه تعالی
این جانبان اهالی قریه فجر آباد و علی آباد در تاریخ ۱۶ مهر ماه ۱۳۵۸ در مسجدگرد آمدیم و در مقابل یکدیگر متعهد شدیم که زمین‌های مالکین را که چندین سال بایر افتاده است به زیر کشت بیاوریم. امضاء کنندگان قسم یاد می‌کنیم که تا آخرین لحظه کلیه مشکلات این امر را به طور متحد قبول و بگردن بکشیم. امضاء و اثر انگشت اهالی

اتحاد بزرگ ملی

منفی رهبری سیاسی این راهپیمایی بود که نهایتاً به وحدت فشرده سه جریان تاریخی علیه امپریالیسم و دوا بر قدرت لطمه خواهد زد و بایستی از آن پرهیز شود.

در خاتمه ذکر این نکته ضروریست که این اولین برنامه ستاد " اتحاد بزرگ ملی " در استان خراسان، زمینه بسیار خوبی را برای سایر نیروهای استقلال طلب و میهن دوست فراهم آورد و به همه آنها این امکان را داد تا علیه توطئه‌های ابرقدرت‌های آمریکا و روسیه و انحصار طلبان متحد شده و مخترکا از منافع والای خلقهای میهنمان ایران دفاع کنند و امر بسرانجام رساندن انقلاب ایران را با اتحاد خویش بطور موفقیت‌آمیز به پیش ببرند.

امیدواریم که ستاد " اتحاد بزرگ ملی " بتواند نیروهای متشکل در خود را گسترش دهد و پرچم وحدت بزرگ را برافراشته نگاهدارد و با شرکت وسیع و فعال خود در زندگی سیاسی - اجتماعی میهنمان، نقش تاریخ ساز خود را با موفقیت به پیش برد.

گزارشی از فروش «رنجبر» و...



نامه و گزارشی داریم از "فرامرز" رنجبر فروش جوان و انقلابی مان در مازندران که همراه عکس خود برایمان فرستاده است که میخوانید. "فرامرز" جوان انقلابی ما کارش را جمع بندی کرده و چه خوب هم ، ما معتقدیم که همه جوانان انقلابی می توانند از روحیه عالی انقلابی ، پیگیری و رزمندگی او بیاموزند .

نامه ای به رنجبر جمع بندی از کار خودم

از زمانی که به خاطر بخش اعلامیه روز "کارگر" مرا گرفته بودند از شماره ۲ الی ۱۷ دیگر نتوانستم رنجبر بفروشم . ولی از آن به بعد موفق شدم با ابتکار خودم این قدر اینور و آنور بدوم تا بتوانم از شماره ۱۷ به بعد بفروشم . رنجبر شماره ۱۷ تا ۱۹ را مخفی می فروختم چون "به پدرم گفته بودم که دیگر رنجبر نمی فروشم میدانستم اگر مخفی دو سه هفته بفروشم باز پدرم مرا از این کار منصرف می کند . من دوست دارم برای مردم کار کنم اگر کسی بخواهد برای مردم کار کند باید روزنامه خوب یا کتاب خوب بفروشد یا بخواند تا بتواند برای مردم کار کند . رفقا ، دوستان ، شماهایی که رنجبر می خوانید یا روزنامه های خوب می خوانید گول حزب توده یا چریکهای فدائی خلق را نخورید و خیلی حزب و گروههایی هستند که مردم را از راه بحث یا روزنامه گول می زنند .

من دوست دارم به مردم خدمت کنم از راه رنجبر فروشی ، از راه کتاب فروشی ، از راهی که با بچه های روستائی باشیم و با زندگی آنها آشنا شویم تا به حال با بچه های روستائی مانند برادر رفتار کردم . من وقتی کتاب می فروشم یک حالت عجیب به من دست می دهد از خوشحالی نمی دانم چه کار کنم از خوشحالی توی پوست خود نمی گنجم .

من یک روز وقتی کتاب می فروختم یک نفر سر بحث را باز کرد و خیلی از مردم آنجا جمع شدند و گروه هشت نفری شدند و شروع کردن هر کدام بحث کردن . توی هر گروهی که نزدیک کتابها بحث می کردند یا ۲ نفر هوا دارداشتم . و هوا دارها از من و کتابها پشتیبانی می کردند و باین نتیجه رسیدیم که از این راه هم می شود بسیار تبلیغ کرد .

من نه تنها توی شهر خودمان رنجبر می فروشم بلکه توی شهرهای دیگر هم می فروشم توی هر شهری ۱۵۰ عدد رنجبر می فروشم من توی شهر خودمان گرگان کتاب می فروشم و روزی ۲۵۰ الی ۳۰۰ تومان کتاب فروش دارم من از آن موقعی که از کنگره برگشتم خیلی چیزها یاد

گرفتم سانسفاه من بجدیداوردم و در سپهریور ماه امتحان دادم و قبول شدم . یک انتقاد شدید به من وارد است که کتاب یا روزنامه یا رنجبر کم می خوانم از این به بعد تصمیم گرفتم که روزنامه یا کتاب بخوانم . یک اتفاق دیگر که برای فروش کتاب رفته بودم برایم رخ داد .

من در روز ۱۳۵۸/۷/۳ که می خواستم کتاب بگذارم یک نفر آمد و گفت اینها چیست جمع کن اینها کمونیستی است من گفتم باشه من می خواهم به فعالیت خود ادامه دهم و گرفتند که کتابها را داغان کنند که من نگذاشتم . وقتی کتابها را جمع کردم می خواستم تا کسی بگیرم . کیفی را که توش کتاب بود از دستم گرفتند . من گفتم کیفم را بده گفتند این کیف مال تو نیست در آنجا آنقدر دور و برم جمع شده بودند بالاخره یک نفر کیف را به من داد و مرا هل داد و گفت برو دیگر اینجا پیدا نشه من وقتی رفتم تا کسی بگیرم همان اخلاکگران آمدند پیش من ایست کردند که ببینند که من آدمم کجاست که مرا تعقیب کنند و من پیاده آمدم اخلاکگران دنبالم راه افتادند آنها هالی ۶ نفر بودند و نزدیک منزل یک دسته از بچه های مذهبی از من پرسیدند چی شده است گفتم آنها گفته اند کتابهای کمونیستی می فروشی و دنبالم راه افتادند . آنها کمک کردن که اخلاک گران ضد کمونیست را از من دور کنند .

در هر حال باید زیر بار زور نرفت و باید تا آخرین قطره خون جنگید و مبارزه کرد .

مرگ بر ستمگران و اخلاک گران ضد کمونیست - ضد اسلام درود بر استقلال طلبان و آزادی خواهان

بریزم توی جوب؟ گفتم : آره آدم خیلی کارها رو میتونه انجام بده اما باید بسینه این کار درسته یا نه . در حال صحبت کردن با این آقا بودم که دو تا مرد آمدند و یک رنجبر خریدند و ایستادند بهوش دادن . بعد از مدتی یکی از این دو مرد به پسرک گفت : آقا مگه شما ایرانی نیستید . اکه

مرگ يك انسان

هیچگونه ترتیب اثری در این زمینه و یا دیگر مشکلات کارگران جهدائی و جهیمانی (موقت) انجام نداده اند .

دیروز جمعه روز سنگینی بود . برادرمان نادعلی قاسمی را از دست دادیم . اوسرپرست تعمیرات باگاس کارخانه کاغذ پارس بود . او مرد . او ما را ماتم زده کرد ولی همچنان که در انقلاب بهترین جوانانمان را در راه استقلال و آزادی و عدالت اجتماعی نثار کردیم و هیچگونه عمی در خود راه ندادیم و اراده ما غوی تر و مستحکمتر شد این بار نیز نفرت خود را از عمال رژیم سابق و خرابکاری آنها در کارخانه زیادتر کردیم .

برای اطلاع باگاس قسمت ذخیره تفاله های نیشکر است که با خمیر کاغذ خارجی مخلوط میکنند و خمیری درست میکنند تا کاغذ تولید شود . در این قسمت حوضچه هایی وجود دارد که ترکیبات شیمیائی بخصوصی انجام می گیرد تا تفاله های نیشکر بوک و پوسیده نشود و بتوان استفاده کرد . در این حوضچه ها ، آب گندیده و خلاصه مردابی جمع می شود که بوی تند و سنگین و مسموم کننده ای میدهد و هرکس بداخل این حوضچه ها بدون وسایل ایمنی وارد شود ، خفه خواهد شد .

دو سال پیش بخاطر نبودن وسایل ایمنی در محیط کار و سهل انگاری مدیریت طاغوتی آن زمان سه همکار عزیز خود را از دست دادیم . هنوز آن زمان را فراموش نکرده ایم . فقط در آن زمان یکی از برادران کارگران توانست از ماسک استفاده کند و آنها را ، یعنی سه کارگر مرده را از حوضچه ها بیرون آورد . سه کارگر مردند . نه قانونی بود و نه کسی گوش شنوا داشت . این مسائل را مثل بقیه مسائل مملکتی ما ست مالی

تظاهرات میلیونی...

تظاهرات میلیونی جمعه ، مواضع پیشرفته ای داشت که در قطعنامه ای آن منیلور بود : افشاء و طرد شایعه پراکنی ضدانقلابی ، افشاء دمکرات های کاذب که زیر پرچم مبارزه با انحصار طلبی ، جبهه علیه رهبری انقلاب باز کرده اند ، خواست انقلابی عمل کردن از دولت و پاکسازی ادارات از عوامل طاغوتی ، خواست تصفیه روحانی نماها از صفوف روحانیت مبارز ، خواست ایجاد سوراخ های واقعی و ... از جمله این مواضع بیسرو و انقلابی بودند .

در برابر این راه بیمنائی میلیونی مردم انقلابی چه موضعی باید اختیار کرد ؟ در میان آن بود ، در مقابلتی ایستاد ، با در حاشیه نق و نق گنان راه رفت ؟

هر یک از نیروهای سیاسی کنونی در یکی از این مواضع ایستاده اند . گروه های عامل یا طرفدار دو ابر قدرت در مقابل این راه سنائی ایستاده اند ، اما چون علنا حرات عرضه اعدام ندارند ، با هزار و یک سگسل مسعول

میکردند . دیروز هم همکار دیگری را در همان قسمت از دست دادیم . نه از مسئولین کسی آمد حرفی بزند و نه انگاری که آب از آب تکان خورده باشد . اگر قانون است پس باید برای همه باشد . چطور برای کارگر قانون می گذارند تا کار کند و پول و سرمایه بیشتر تولید کند ، ولی برای مدیرینت و سرمایه داران قانون نمی گذارند که به مسائل ایمنی کارخانه برسند؟ مگر ما اینجا گاو و گوسفند هستیم ؟

در انقلاب استقلال طلبانه اسلامی ایران برهبری امام خمینی بگفته خود امام ما پارهنگان بودیم که شهید دادیم . خلاصه کلام در انقلاب ما نیروی محرکه اصلی بودیم و هستیم و خواهیم بود . چرا در یک قسمت کارخانه که خطر جانی وجود دارد و تا حالا چهار نفر کشته شده اند کپسول اکسیژن وجود ندارد؟ ماسک کار وجود

ندارد؟ آمبولانس وجود ندارد؟ تلفن این قسمت که خطر جانی دارد خراب است . آژیر خطر کار نمیکنند . کدام قانون میگوید زنی را با دو فرزند بی پدر کنی ؟ خلاصه کلام از شما مسئولین رنجبر تقاضا داریم ما را راهنمایی کنید و بگوئید به مسئولین وزارت کار دولت بازرگان که کدام قانون حافظ ماست ؟

در دلدل ما تمام شدنی نیست هرچه بگوئیم باز قطره ای از دریا گفتمایم . آنطوری که ما شنیده ایم ما ماهانه در حدود ۵ میلیون تومان پول بیمه میدهیم . با این پول کلی کار ایمنی و بیمه و بهداشت میتوان روبراه کرد . شاید مقرر ما کارگران باشیم که دست روی دست گذاشته ایم و منتظر دست غیب هستیم . ولی از این دست غیب هم خبری بماند نمیرسد . شاید این حوادث و نظائر آن را ما بفکر بیشتر وادار کند تا همدوش دیگر مستضعفین که علیه

توطئه برای شکاف انداختن در صفوف آن هستند . اینها را باید افشا کرد و طرد نمود . آنها به واسطه ماهیتشان از این تظاهرات درس نخواهند گرفت ، بلکه باز هم به توطئه هایشان ادامه خواهند داد و از این رو باید هوشیار بود . اما نق نق کنان و حاشیسه نشینان و دمکرات های کاذب باید خود را اصلاح و نو سازی کنند و به این راه بیمنائی بزرگ انقلابی بپیوندند ، و گرنه دیر یا زود با دسته اول متحد خواهند شد . آنها باید از این نمایش بزرگ درس بگیرند و نگذارند انتقاداتان به برخی از کمبودهای حاضر ، آنان را به بیراهه بکشاند .

صفوف میلیونی مردم مدتهاست که درس خود را آموخته و چه خوب هم آنرا از بردارد ، که باید به نیروی متحد خویش ایمان داشت ، از رهبری پشتیبانی کرد ، انقلاب را ادامه داد ، از ابر قدرتها ترس نداشت و مسائل و مشکلات را در میان خانواده انقلابی و جدا از توطئه های خارج از آن حل کرد و به پیش رفت .

بی عدالتی ها مبارزه میکنند نیز مبارزه را جدی تر متشکل تر علیه عمال رژیم سابق به پیش ببریم .

خواهشی که ما کارگران از روزنامه مبارز شما داریم اینست که به وزارت کار و شورای انقلاب و مجلس خبرگان بگوئید بابا تا ایران از دست نرفته در فکر پیاده کردن خواسته های بحق زحمتکشان باشید تا بتوانیم مثل همیشه روحیه مبارزه جوانانه خود را بالا ببریم و توطئه های بیگانگان و سرمایه داران بخصوص عمال دوا بر قدرت و صهیونیسم را درهم شکنیم . دشمنان ما کارگران ایران قادر نخواهند بود جلوی نیروی عظیم ما را بگیرند . ما در خدمت گذاری به استقلال ایران و حفظ دست خدمت آوردهای انقلاب اسلامی ایران تحت رهبری امام خمینی هستیم . ای دولت تو هم خدمتی کن .

اسم برادر کشته شده ما نادعلی قاسمی از اهالی غیور ایل بختیاری میباشد که در کار شجاع و بیگیر و در عین حال متواضع بود . این برادر ما همانند دیگر برادران زحمتکش در مقابل توطئه های دو ابر قدرت مردانه مبارزه میکرد و در این راه از هیچگونه جان فشانی دریغ نداشت .

در خاتمه یاد برادر عزیزمان نادعلی قاسمی را زنده میکنیم و بقای عمر خانواده اش را خواهیم . قاسمی سمبل درستی ، تواضع ، پرکاری برای کلیه کارکنان کاغذ پارس بود . یادش گرامی باد و زنده باد همبستگی کلیه کارگران در در هم شکستن توطئه های عمال امپریالیسم و ساختن اقتصادی شکوفان و ملی . بروح شهدا سوگند که نادعلی قاسمی عزیز همچنانکه از تو یاد گرفته ایم ، همچنان راهت را ادامه خواهیم داد .

کتابسوزی در آمل توطئه ضد انقلاب

محمد گدسد حبری بود ار آمل ، که عده ای در نیمه شب به یکی از کتابفروشی های اسلامی این شهر حمله برده و آنرا به آتش کشیده اند .

از اخبار کتاب سوزی در شهرستانهای مختلف در چند ماهه اخیر آگاهید که عده ای مخرب مردم را به سوزاندن کتابهای چینی تشویق میکرده اند .

این دو جریان دور روی یک سکه اند ، هر دوی این کتابسوزی های چینی و اسلامی توطئه های است برای ایجاد هرج و مرج و قرار دادن دو دسته از مردم در مقابل یکدیگر و ماهی گرفتن از آب گل آلود .

باید در مقابل این توطئه هوشیار بود و نگذاشت ضد انقلاب با این گونه عملیات توطئه های خود را پیاده کند . آنها از انحرافات انحصار طلبی و چپ نمائی سود میبرند و خلق را در برابر یکدیگر قرار میدهند . از اینرو طرد این دو انحراف گامی است در خشک کردن زمینه فعالیت ضد انقلاب .

خیابان جمهوری (شاه آباد سابق) شروع به فروختن کردم . رفتم به طرف خیابانهائی که معمولاً رنجبر را آنجا بهتر می فروشند ، یعنی خیابانهای سعدی و فردوسی . اوایل خیابان سعدی یکی دو نفر رنجبر خریدند که در همین موقع یک پسر جوان که گاری دستی همراه داشت و روی آن باری را به جایی میبرد از من یک رنجبر خرید . بعد رفتم به طرف شمال خیابان سعدی . یک مغازه کفش فروشی هست که صاحبش از من خواسته هر پنجشنبه برایش رنجبر بهرم . بعد از اینکه رنجبر را برای صاحب مغازه بردم و داشتم از مغازه بیرون میامدم همان پسر کارگری که در بالا اشاره کردم دوان دوان خودش را بهم رساند و از من راجع به مقاله " شرووی کشوری امپریالیستی " توضیح خواست و گفت : اگه میشه بقیه شماره هایش را هم برابم بیار . یا او روز شنبه ساعت ۱۱ در خیابان سعدی قرار گذاشتم و خداحافظی کردم .

در خیابان فرودوسی نزدیک کمیته یکی از مامورین کمیته که " بیانیه حزب توده " را در دست داشت آمد نزدیکم پرسید از اینها داری؟ گفتم : اونو ندارم اما جوابش را توی رنجبر دارم ، گفت : همه تون سرو ته به کریاسین . گفتم که اشتباه می کند و تا اندازه ای برایش توضیح دادم در همین حال بود که تعداد زیادی دور و برمان جمع شدند . مامور کمیته می گفت شما در فلان شماره رنجبر راجع به کردستان بد و بیراه گفته اید که وقتی میدیدم ما شرمایم گیرم میگفت : خب این هیچی . چرا شما در فلان شماره رنجبر به مجلس خیرگان و رئیس مجلس فحش داده اید و کلی از این مزخرفات سرهم کرد . بهش گفتم : دوست عزیز مطمئنی که حالت خوبه ؟ تو بهتره بری این رنجبرهارو بخونی که اگه لازم شد صحبت کنی حداقل جفنگ نثانی . مردمی که آنجا جمع شده بودند خیلی کنجکاو شده بودند که جریان چیست برایشان توضیح دادم . همانجا نزدیک به ۱۲ - ۱۴ رنجبر از من خریدند . من به مامور کمیته گفتم شما همیشه همین جا هستید ؟ پرسید چطور مگه ، گفتم : میخواستم ببینم اگر اینجا هستید منم همیشه بیایم اینجار رنجبر بفروشم . مردم خندیدند و مامور کمیته با عصیانیت رفت .

در حال رنجبرفروختن رسیدم به خیابان صدق . فکر کردم خوبه برم دفتر رنجبر و اون سری رنجبرهایی را که به آن کارگر قول داده ام بگیرم .

از صدق که سرازیر شدم پسرک جوانی دنبالم دوید و گفت : خانم . خانم . این روزنامه مردمه ؟ گفتم : نه ! رنجبره ، گفت : آره دیگه ، یعنی مال توده های هاس . گفتم : نه برادر . الان دیگه تمام زمین و زمان می دونن که رنجبر دشمن سرسخت باند کیانوری است . گفت : من میتونم یکی از اینهارو بخرم و بعد پاره کنم

دو تا مرد آمدند و بگرن رنجبر خریدند و ایستادند بگوشت دادن . بعد از مدتی یکی از این دو مرد به پسرک گفت : آقا مگه شما ایرانی نیستید . اگه ایرانی هستید و مسلمان باید به سانی که به شما خدمت می کنند احترام بگذارید . مگه امام خودش نگفته که اگر کسی مخالف نظر شما را داشت ، سوزانید و تزیید و پاره نکنید . مردم زیادی دور ما جمع شدند . پسرک گفت : من عشقم گسیده اینها رو پاره کنم تا مردم بفهمند و نخرند . بهش گفتم : ببین داداش . من یکی از این روزنامه ها رو بهتر میدم . برو بخون اگه چیزی مخالف با انقلاب و امام و مردم تو شد دیدی . از این به بعد هر جا رنجبر دیدی پاره کن . پسرک گفت : من سواد ندارم . گفتم مساله ای نیست . من همین الان برات یه مقاله را می خونم ببینم چی میگی . اگر هم دلت خواست آدرس خونه و دانشکده ام را بهت میدم . اگر خواستی بیا پیش من ، روزی دو سه ساعت بهت درس میدم تا خواندن و نوشتن را یاد بگیری . بعد شروع کردم به خواندن مقاله " تلاشی جدید پس از شکستی مفتضح " مردمی که آنجا ایستاده بودند گوش میکردند ، خیلی خوششان آمد . آنجا هم حدود ۱۴ - ۱۵ نفر رنجبر خریدند . پسرک نگاه کرد و خندید و رفت . نفهمیدم چرا خندید .

دو نفر از کسانی که رنجبر خریدند همراه من آمدند و یکی شان پرسید این روزنامه در شهرستانها هم بخش میشود ؟ گفتم : آره شما مال کجا هستید؟ گفت : اصفهان . بعد بهش گفتم اگه اطلاعات بیشتری راجع به رنجبر و بخش آن در اصفهان میخواهی برو دفتر رنجبر . گفت چون جایی کار دارم تلفن می زنم میپرسم .

فقط یک دانه رنجبر مانده بود . دیدم یه کارگر بغل دست چند تادست فروش نشسته و به من نگاه می کنه . رفتم نزدیکش . گفتم آقا رنجبر نمی خواهی ؟ گفت : بده ببینم خیلی از کاریکاتور خوشن آمد . (کارگری که بعد از زدن آمریکا ، گردن برزنت را گرفته) . پرسیدم : این کاریکاتور بنظر تو چی میخواد بگه ؟ گفت : میخواد بگه این کارگره گردن سرمایه دار رو داره فشار میده خفناش کنه که بعد دولت بهش یه خونه بده . ازاره تعجب خشم زد . بعد فکر کردم تعجب ندارم مردم همیشه از مسایل ملموس خودتون به جریانات برخورد می کنند . گفتم : آره راست میگی اما در ضمن این یه چیزهای دیگه ام میخواد بگه . بعد جریان شوروی و آمریکا و کیانوری را برایش توضیح دادم ، خیلی خوشحال شد . پرسیدم اگه سواد نداری برایت بخونم . گفت : نه میدم پسرم برابم بخواند . بعد از کمی صحبت خداحافظی کردم و رفتم .

چه کار خوبیه رنجبر فروختن . آدم کلی چیز از مردم کوچوبازار یاد میگیره دلم میخواست بیشتر وقت داشتم تا بیشتر رنجبر بفروشم .



گفتگو با نماینده

عواهل آنها وجود دارند و از پیشبرد کارها جلوگیری میکنند . این افراد چون نمی توانند مانند سابق درآمد داشته باشند ویا اینکه دیگر آن زمان نیست که آنها بتوانند شخصیت پروری کنند در اینصورت علم نفع زدن ، پنهان جویی بيمورد ، کار نکردن را بلند میکنند . این افراد واقعا " باید پاکسازی گردند . باید افراد دلسوز و صادق جای این افراد گذارده شود . باید افرادی را گذاشت که احساسی مسئولیت میکنند . باید افرادی را گذاشت که کشورشان را دوست دارند . در همه جا منافع مردم بالاتر از منافع شخصی خود است در این زمینه دادستان انقلاب باید همکاری کند و افرادی را که با بیت المال چنین رفتار میکنند و خواسته های نامشروع دارند پاکسازی کند . برای حفظ بیت المال افسراد مردمی میخواهد

در زمینه پاکسازی ما هیچگونه اختیاراتی نداریم در حالیکه ما بخوبی میتوانیم راسا عمل کنیم . باید انحصار طلبی را کنار گذاشت . باید دیگران را هم در نظر گرفت . نباید فکر کرد که فقط خودمان درست میگوئیم

در حال حاضر ما توانسته ایم اراضی زیر را شناسایی کرده و بعضی از قسمتها و اراضی را زیر نظر کارشناسان بنیاد درآوریم .

۳۵ هکتار باغ اویسی و سه الی ۴ قطعه زمین در گرگان - اراضی منصور روحانی بمساحت ۱۴۵ هکتار - اراضی سپهبد فاضلی و سپهبد منیعی که هر کدام بمساحتی ۵۰ و ۷۰ هکتار در ۱۰ کیلومتری گرگان بخش پائینی محمودآباد - زمینهای سپهبد بالیزبان ۲۵۰ هکتار و زاهدی ۱۰۰ هکتار که شناسایی شده

ولی هنوز ربر نظر بنیاد در نیامده بعلت اینکه ترکمنها در این مورد خواسته های دارند و میگویند این زمینها چون در اینجا واقع شده متعلق بماست . ۷۷۰ هکتار زمین " گل چشمه " که زیر نظر بنیاد اداره میشود که از این ۷۷۰ هکتار ، ۲۷۰ هکتار آن به کشاورزان که زمین کشت جو و گندم اجاره داده شد و ۵۰۰ هکتار باغ نزدیک آزادشهر - حدود ۵۰۰ هکتار زمینهای بهزاد پهلوی در دلند که در زمان انقلاب بین کشاورزان دلند و توران اجاره داده شد (بهر نفر یک هکتار از طریق کمیته آزاد شهر) . سازمان زراعتی غلامرضا پهلوی واقع در کلاله گنبد حدود ۷۰۰ هکتار زمین باسداکی باضافه کارخانه بنیبه پاک کنی . مزرعه کام دشت متعلق به عبدالرضا پهلوی واقع در " داشت برون " مرز ایران و شوروی بمساحت ۷۰۰ هکتار که این نوع اراضی مرتعی است اراضی سپهبد هاشمی نژاد ۱۰۰ هکتار در کنار سد وشمگیر - اراضی تیسار مین باشیان واقع در کنکور کلاله بمساحت ۴۰۰ هکتار . زمینهای هزبریزدانی را بنیاد هنوز تحویل نگرفته است .

حالا مشکل ما چیست ؟ مشکلات ما محلی و منطقه ای است . یکسری افرادی هستند بدون اینکه مدرک یا سندی ارائه دهند میگویند این اراضی از آن ماست . ما میگوئیم اگر کسی مدرکی یا سندی دارد میتواند از طریق حقوقی یا نماینده بنیاد این مسئله اش را بدون هیچگونه سروصدائی حل کند . ما میگوئیم اگر خواسته های آنها بحق هم باشد باز هم از طریق همکاری میتوانند به خواسته های شان برسند . در این زمینه مردم واقعا " باید همکاری کنند . مردم باید بدانند تمام درآمدهای این اراضی صرف عمران

و در برابر بید پیر فرار میدهند . از اینرو طرف این دو انحراف گامی است در خشم کردن زمینه فعالیت ضد انقلاب .

و آبادی همین کشور و همین منطقه خواهد شد . بعنوان مثال حدود ۴۰۰۰۰۰ تومن از فروش محصولات گندم اراضی منصور روحانی را تصمیم داریم با همکاری نماینده فرمانداری گرگان صرف وسائل اولیه دارویی و پزشکی درمانگاه آق قلا (پهلوی در سابق) نمائیم .

ما میگوئیم چند مرکزیت و مشخص نکردن اختیار هر فرد نادرست است . بعنوان مثال هم اکنون باغبان باغ " امجدی " حدود ۷ ماه است که حقوق نگرفته به هر کی مراجعه میکند ، بجای دیگر واگذارش می کنند . روشن است کارگری که چندین ماه حقوق نگرفته و وسائل زندگی اش را برای خرجی روزانه میفروشد دیگر به این باغها بچشم بیت المال نگاه نمیکند و هیچگونه دلسوزی هم ندارد . هم اکنون ۳ هکتار زمین بر اثر بی آبی و بی توجهی خشک شده از این نوع مسائل زیاد هست که باید حل گردد . باید به این مسائل رسیدگی کرد و اختیارات روشن گردد . در واقع سرپرستی را که در منطقه میگذارد باید اختیارات بدهند و همکاری متقابل هم بکنند " .

از ایشان پرسیدیم شما در این مدت کم از تاریخ ۵۸/۷/۱۶ تا بحال چه کارهایی انجام داده اید؟

جواب داد : " هم اکنون داریم دور درختان میوه را شخم میزنیم . وچین علفهای هرز - از بین بردن حرس پاچوش درختان - تعمیر موتور پمپ - سیم کشی و پایه گذاری اطراف باغ - تعمیر تراکتور - سمپاشی باغ - تعمیر ساختمان و تعمیرات قفل های آن که شکسته اند - تهیه مقدمات مبارزه بر علیه آفات و بیماریهای فصل پاییز - دعوت کارشناس حفظ نباتات جهت سمپاشی پاییزی - مراجعه با اداره جنگل و مرتع جهت تهیه سیم پایه چوبی برای سیم کشی اطراف باغ و از طرف دیگر پیشنهاد میکنم بولهای که از اراضی این منطقه بدست میآید صرف همین منطقه گردد . من این باغها و اراضی را همچون یک چاه نفت نگاه میکنم که میتواند منطقه را تامین کند . منتهی اینکه الویت داده شود در جاهائی که احتیاجات بیشتر دارند .

سؤال شد خواسته های شما در این منطقه چیست؟

پاسخ دادند : " ۱- تاسیس دفتر بنیاد مستضعفین ۲- همکاری مردم در منطقه و شناسائی بعضی از اراضی شناخته نشده و شناخته شده و گزارش به نماینده بنیاد جهت بهره برداری لازم ۳- پاکسازی افراد و عناصر غیرمستول و غیرمتمتع از قطبهای کشاورزی یا بقیه در صفحه ۵

اتحاد بزرگ ملی

اعماق قلب توده‌های مبین دوست ملت مارسوخ نموده است. این توده‌ها بودند که با زبان خودشان در مضمون پلاکارتهای ما در مقابل بعضی از عناصر چپ‌نمای بااصلاح پیشرو دفاع میکردند.

... مردم شعار " آمریکا، شوروی مرگ به نیرنگتان - خون شهیدان کرد می‌چکد از چنگتان " را با شور و شوق و با چشمان اشک آلود تکرار میکردند و هنگامی که سخنرانی حجت الاسلام سیدمحمدخامنه‌ای در میدان شهدا خاتمه یافت و راهپیمائی با شعار " آمریکا - شوروی " به حرکت درآمد زنها بشدت بغض کرده بودند بطوری که هنگامی که ما بدان شعار پرداختیم، عده‌ای از زنها سر خود را بلند کرده و با چشمان اشک‌آلود به شعار دادن پرداختند. آنها میگفتند: " باید گفته شود " خون جوانان کرد می‌چکد از چنگتان " و همه شروع به گریه نمودند.

موقعی که ما شین حامل عکس امام خمینی از میان جمعیت عبور میکرد با دیدن عکس امام آنها اشکهای خود را پاک نموده و با شور و شوق زاید الوصفی صلوات فرستاده و شعار میدادند: رهبر این سرزمین - خمینی نازنین! "

آنها از شدت شور و هیجان ما را میبوسیدند و وحدت‌طلبی ما را تأیید میکردند. بطور کلی راهپیمائی وحدت که عمدتاً از افشار و طبقات زحمتکش شهر و روستا و تا اندازه‌ای از روشنفکران متعهد و استقلال طلب تشکیل شده بود عظمت راهپیمائیهایی دوران انقلاب را تداعی مینمود. خشم و کینه مردم نسبت به دشمنان و شور و شوق انقلابی آنها چند برابر شده بود.

حدود یکساعت از راهپیمائی گذشته بود

شوروی...

میز مذاکره بکشاند. خبرگزاری تاس در بهار سال ۱۳۵۱ (۱۶ آوریل ۱۹۷۲) یعنی در اوج حملات ارتش آزادی بخش ویتنام در بیانیه خود نوشت: " تنها راه حل مسئله هند و چین مذاکرات بدون ارباب و دیکته کردن است ". آقای ویکتور لوتیس یکی از روزنامه نگاران مشهور شوروی هنگامی که پادگورنی یکی از مهمترین دستیاران برژنف به هانوی رفته بود نوشت: " ملاقات پرزیدنت پادگورنی در هانوی به این منظور است که خصوصت‌های موجود در تمام جنبه‌های هند و چین را خاتمه دهد تا مذاکرات بتوانند پیشرفت‌هایی بکنند (کتاب "همسایه شمالی ... " صفحه ۸۷)

دولت ویتنام شمالی بالاخره تحت نفوذ و فشار دار و دسته برژنف - کاسیکین به سر میز مذاکرات صلح با امپریالیسم آمریکا نشست و در ۲۷ ژانویه ۱۹۷۳ (زمستان ۱۳۵۱) قرار داد آتش بس را با آنها امضاء کرد. آن وقت بود که مطبوعات روسیه با جار و جنجال مشغول بهره برداری از این موضوع گردیدند.

روزنامه ایزوستیا کمی بعد از امضای این موافقت نامه نوشت: " حوادث ویتنام بروشنی نشان دادند که امروزه اختلافات و مسائل سیاسی با زور اسلحه نمی‌توانند حل شوند (ایزوستیا شماره ۷ مارس ۱۹۷۳). نشریه " شوروی امروز " اعلام کرد که " برنامه صلح شوروی قبل از هر چیز از بین بردن کانونهای موجود در جنوب شرقی آسیا و در خاور نزدیک بر مبنای احترام به حقوق شرعی دولت‌ها و ملت‌ها می‌باشد. به شکرانه کمک موثر شوروی و دیگر کسورهای سوسیالیستی خلق ویتنام توانست در این میان به یک پیروزی تاریخی دست یابد (شوروی امروز، شماره اول آوریل ۱۹۷۳)

روز به این طریق سوسیال امپریالیستهای شوروی موفق شدند تا با سوء استفاده از " کمکهای انترناسیونالیستی " خود و عدم همیاری بعضی از رهبران انقلابیون ویتنام که صدر خود هوشی‌مین را در سال ۱۳۴۷ از دست داده بودند در میان رهبران جنبه آزادی بخش ویتنام نفوذ کرده و آنها را موقتاً از میدان جنگ به سر میز مذاکرات بکشاند و شاید اگر خواست عمیق توده‌های وسیع خلق ویتنام به ادامه مبارزه نبود انقلاب ویتنام از همان زمان راه دیگری را در پیش می‌گرفت. اما چنین نشد و انقلاب ادامه یافت. ما در شماره آینده به مرحله دوم

رنجبر

رنجبر و خوانندگان



مدیر محترم هفته نامه رنجبر

سلام بر سازمانی که واقعبندانه یعنی جامعه را درک کرده و مبارزه‌های بخاطر توده‌های مستضعف ایران و جهان است.

من یک فرد مسلمان و شیعه خود را مسئول و متعهد می‌دانم. اگرچه مکتب شما را قبول ندارم ولی آزادهام و سازمان انقلابی را یک سازمان چپ دانسته و نه چپ رو مثل حزب توده و نوجوش فدائی خلق که آب به آسیاب شوروی و آمریکای جهان‌نخور می‌ریزد ...

و امیدوارم این نباشد خط سیاسی شما که (هدف وسیله را توجیه می‌کند). این اسلام است که بشما آزادی داده است. ولسی اگر شما توطئه‌گر باشید و وابسته باید بدانید که ملت عبور قهرمان ایران با فریاد الله اکبر دشمنان اسلام و ایران را به دگورستان تاریخ دفن خواهد نمود. اضاء علیرضا صنعتی

رنجبر: دوست گرامی آقای صنعتی پشتیبانی ما از جنبش اسلام مبارز و امام خمینی امری مربوط به چند ماهی اخیر نیست. سازمان ما از بدو تا سیس خود در ۱۵ سال پیش همواره از اسلام مبارز و مبارزه‌ی استقلال طلبانه و آزادی خواهانه‌ی آن پشتیبانی کرده است. این ناشی از سیاستی اصولی بوده است، چه ما جنبش اسلام مبارز را جنبشی اصیل و ضد امپریالیست ارزیابی کرده و می‌کنیم و طرفدار وحدت سد جنبش اسلام مبارز، ملی‌گرائی مترقی و سوسیالیسم انقلابی بوده و برای ایجاد این اتحاد بزرگ ملی تلاش می‌نمائیم.

اتحاد بزرگ ملی تلاش می‌نمائیم.

موفق باشید

در نامه زیر اسم یک گروه و اسامی چند نفر آمده است ولی چون ما مستقیماً اطلاعاتی از این گروه و افراد نداستیم آنها را حذف کردیم.

روزنامه محترم رنجبر

با تسکر از شما که درد دل رنجبران و از جمله روستائیان همدان را منعکس می‌کنید به عرض می‌رساند که از اوائل انقلاب گروه‌های به اصطلاح مخفی ... در شهر ما تشکیل شده که بتحریر بعضی متنفذین و روحانی نمایان به ترور چند ناخاجچی دست زدند. از آن‌ها سیرتاجا قجیان حساب کار خود را کرده مرتباً به عنوان کمک به مستضعفین باج می‌بردارند. آنچه واقعبندانه را بر ملا کرده و دم خروسی که آسکار است در حصار همدان می‌باشد.

ده حصار که مرکز تولید و توزیع هروئین در غرب ایران است هم اکنون کمیته‌ای بوسیله یک ناخاجچی بسیار معروف و سابقه دار اداره می‌شود. و از هم اینجا پیداست که ترور دیگر ناخاجچیان یک جور تصفیه حساب مافیائی بوده است.

انگن مرکزی سازمان انقلابی

تحصن و راهپیمائی

شما خبر ندارید من می‌دانم چه خبر هست. کسانی هستند که خودشان را برای درگیری آماده کرده‌اند. جوانها گفتند نه مانع نخواهیم با کسی درگیر شویم.

در این میان جوانی از دیپلمه‌های یک‌کاغذ کوچک از جیبش در آورد که روی آن قطعه‌نامه دیپلمه‌ها بود. او رفت بالای یک بلندی و قطعه‌نامه را خواند:

- ۱- ما از جمهوری اسلامی پشتیبانی می‌کنیم.
- ۲- کانون استخدام ایجاد باید گردد.
- ۳- با دادن حقوق گزاف در اداره‌ها مخالفیم.
- ۴- ما با هر گونه تبعیض استخدامی مخالفیم.
- ۵- از دیپلمه‌های بیکار سایر شهرها پشتیبانی می‌کنیم.
- ۶- اداره‌ها باید از عناصر ضدانقلابی پاک شود.

۷- ما خواستار آزادی دیپلمه‌های زندانی در تهران هستیم.

بعد نماینده دیپلمه‌ها پرسید حاضر هستید که راه پیمائی کنیم؟ همه گفتند آره.

راه پیمائی به طرف منزل مدنی نماینده امام خمینی شروع شد و پاسداران هم با آنها راه افتادند (بدون اسلحه).

مردم زیادی در اطراف خیابان ایستاده بودند. دیپلمه‌ها این شعارها را می‌دادند: کار، کار حق مسلم ماست.

بیکاری، بیکاری عامل هر فساد است. دیپلمه‌های زندانی آزاد باید گردد. ابودر، ابودر دشمن سرمایه دار. اتحاد، اتحاد علیه سرمایه دار. ملت بیدار باش توطئه در کار است.

دیپلمه‌ها رسیدند به منزل آقای مدنی و از طرف ایشان یک نماینده آمد و سخنرانی کرد و به دیپلمه‌ها گفت جوانان عزیز من ما انقلاب نکرده‌ایم برای شکم، ما انقلاب کرده‌ایم برای آزاد شدن از شرق و غرب. بنابراین باید مواظب گروه‌های منحرف که به نام اسلام در همدان هستند باشیم. دستهای مرموز در صدد تفرقه در بین شما هست. اتحاد داشته باشید همان طوریکه طاغوت زمان را از ایران بیرون کردید. شما می‌دانید از این راه پیمائی‌ها دودش به چشم خودمان می‌رود.

در آخر بنا شد چند نماینده از طرف دیپلمه‌ها بروند پیش آقای مدنی و دیپلمه‌ها متفرق شدند.

این راه پیمائی بدون هیچ گونه درگیری به پایان رسید. بودند عناصری که می‌خواستند درگیری بوجود بیاورد ولی خیلی کم بودند. در ضمن در همدان در حدود ۱۲۰۰ نفر دیپلمه بیکار هست که از این تعداد فقط ۱۵۰ نفر آمده بودند در راه پیمائی.

یک چیز مهم در این راه پیمائی بود و آن این بود که سیاه پاسداران با دیپلمه‌ها هم کاری میکردند و با آنها هم دردی میکردند و نمی‌خواستند درگیری بوجود بیاورد.

هوشیاری را در سال ۱۳۴۷ از دست داده بودند در میان رهبران جبهه آزادی بخش وینتام نفوذ کرده و آنها را موقتاً از میدان جنگ به سر میز مذاکرات بکشاند و شاید اگر خواست عمیق توده‌های وسیع خلق وینتام به ادامه مبارزه نبود انقلاب وینتام از همان زمان راه دیگری را در پیش می‌گرفت. اما چنین نشد و انقلاب ادامه یافت. ما در شماره آینده به مرحله دوم مناسبات سوسیال-امپریالیستی شوروی با انقلابیون وینتام و نتایج حاصله از آن خواهیم پرداخت.

مشکلات اقتصادی...

این مشکلات ارائه نداده است و به همین علت، نارضایتی در بین مردم و فشار به دولت روز به روز بیشتر میشود. در این اوضاع و احوال، دار و دسته کمیته مرکزی در لباس طرفداری از زحمتکشان می‌خواهد از این نارضایتی‌ها بعنوان وسیله‌ای برای سوق دادن میهن ما بسوی وابستگی به شوروی سوء استفاده نماید.

استقلال اقتصادی یا تغییر نوع وابستگی؟

دار و دسته کمیته مرکزی از حساسیت مردم ما نسبت به وابسته بودن اقتصاد کشور به غرب و مشکلاتی که این وابستگی به دنبال داشته، آگاه است. بنابراین سعی میکند با بهانه‌کردن این مشکلات راه حل خود را که چیزی جز تغییر سمت وابستگی، از غرب به شوروی نیست، ارائه دهد.

در واقع این دار و دسته با طرح مشکلاتی چون بیکاری، کمپایی، تورم و گرانی و مرتبط بودن آن به وابستگی اقتصاد کشور به غرب، قصد دارد که از این بازار آشفته بنبغ خود و امپریالیست‌های روسیه بهره برداری نماید. آنها نمی‌خواهند که وابستگی اقتصادی ما بطورکلی و برای همیشه قطع شود و اقتصاد ما بدون هیچگونه وابستگی به این یا آن ابر قدرت امپریالیستی، روی دو پای خود بایستد. بلکه آنها برای وابسته شدن به امپریالیسم روسیه و کشورهای اقمار آن خواستار قطع وابستگی از کشورهای غربی هستند.

در راه حلی که این دار و دسته برای غلبه بر مشکل بیکاری ارائه میدهند می‌خوانیم: "آیا در جهان کنونی فقط کشورهای امپریالیستی هستند که علیرغم همه گارتکنی‌هاشان، باید همچنان طرف بازگانی نابرابر با ما باشند؟ آیا کشورهای دیگری نیستند که بتوان در شرایط برابری کامل و بدون تحمیل شرایط با آنان مبادله و بازگانی کرد؟" ("مردم"، شماره ۶۱، سه‌شنبه ۱۷ مهر).

این حرفی است که این دار و دسته همیشه آنرا تکرار می‌کند و در برخورد با هر مسئله‌ای روی تجارت با امپریالیسم روسیه و اقمار آن بعنوان راه حل و مشکل‌گشا برای غلبه بر مسائل و مشکلات موجود یافزاری میکنند.

این دار و دسته در برخورد به مسئله تورم و گرانی بزمع خود راه حل "بنیادی" خود را ارائه میدهد. این راه حل "بنیادی"، تکرار همان حرفهای گذشته است با این تفاوت که

یک تاجاجی بسیار معروف و سابقه دار اداره می‌شود! و از هم اینجا پیداست که ترور دیگر تاجاجیان یک جور تصفیه حساب مافیائی بوده است.

از کارهای دیگر این دار و دسته، بسیج اوباش و آتش زدن کارخانه رادیو و تلویزیون سازی همدان که چهار صد کارگر داشت بهیانه اینکه مال بهائی است! و چاپیدن اجناس و لوازم که بعضی از آنها در حصار و مریانج کشف شد.

از کارهای دیگر این گروهها بسیج اوباش به سردمداری یکی از حمله داران کاروان حج و حمله به کتاب فروشیها از جمله کتاب مروسی آگاه در خیابان بوعلی و ایجاد تشنج در شهر بوده است.

همین دار و دسته کمیته حصار با کمیته بازار که زیر نظر یک نفر است عده‌های از کاسپهای جز را در میدان امام خمینی به نام گرانفروش شلاق زده و یکی از بازاریان (عضو سابق انجمن شهر آریامهری و رئیس شرکت نان سابق و محنتگر برنج و روغن و کبریت، ناید) را تهدید کرده صد هزار تومان گرفته‌اند که علاوه بر طرف دادگاه اسلامی همدان تحت تعقیب و فراری است.

آشفتنگی وضع شهر و دسته بندی اوباش و گروههای تهدیدی به جایی رسیده‌ام امام خمینی دستور دادند آیت الله مدنی برای سر وسامان دادن به وضع شهر و رسیدگی به گروهها و افراد منحرف مقدس نما به همدان بیایند که امیدواریم ایشان موفق به انجام وظیفه محوله بشوند.

با تقدیم احترام اسم و آدرس محفوظ

با احترامات فائقه - عطاء الله جعفری

نخستین مصاحبه جهانی با لوموند در سال ۵۶ است که دهقانان را از رژیم شاه برسد، دهقانانی که در سال ۴۲ علیرغم نهضت روحانیت، از رژیم حمایت کردند.

۲- در قانون اساسی که دارد تدوین می‌شود بایستی این حداقل در خواستههای کارگری قید گردد:

الف - حق سندیکی آزادکارگری واقعی (با اسم پیشگام یا پسگام یا اسلامی یا کفری کاری نداریم) با حق مشارکت در شورای مدیریت کارخانه و تعیین بیمه همگانی.

ب - حق اعتصاب با رعایت مراحل قانونی و حقوق برای بیکاران.

ج - ممنوعیت اخراج از کار و مجازات کار فرمایانی که رعایت جنبه‌های ایمنی و بهداشتی کارگاه را نکنند یا کارگر را خودسرانه اخراج نمایند.

د - حق تجدید نظر در قرار داد دستمزد بر اساس شاخص هزینه زندگی سالانه.

۳- همان طور که نتیجه انتخابات سوراها نشان داد، دست انحصار طلبان پیش توده‌های مردم شهر نشین رو شده است. باید تمام نیروهای سیاسی اعم از ملیون دم‌مکراتها مدھیون مبارز و انقلابیون سوسیالیست از حق تبلیغ برابر و آزاد بر خوردار باشند تا در نتیجه از همه اقشار خلق (کارگر - کشاورز - پیشه ور - کارمند - کاسب و مشاغل آزاد) اعم از زن و مرد و همه اقوام و ملیت‌های ایرانی به مجلس سورا و دیگر ارگانهای تصمیم گیری راه یابند تا اتحاد بزرگ ملی بر قرار شود.

وی سپس اضافه نمود: "اتحادیه دانشجویان مسلمان، کنفدراسیون جهانی با همکاری سفارت جمهوری اسلامی ایران در انگلستان متحد و یکپارچه فعالیت وسیعی جهت آزادی این میهن دوستان را آغاز کردند. آقای افراکاردار سفارت جمهوری اسلامی نیز به حمایت از دانشجویان پرداخته و سفارت جمهوری اسلامی وکیل خود را در اختیار ایرانیان زندانی قرارداد و بعد از تلاش زیاد با اتحاد و یکپارچگی، بالاخره پلیس انگلستان پس از ۳۰ ساعت ایرانیان را آزاد نمود."

در پایان آقای شریف‌نماینده کنفدراسیون در ایران خواهان قید این مطلب در روزنامه رنجبر شد که: "در خارج از کشور تبلیغات بر علیه جمهوری اسلامی و رهبری انقلاب از طرف امپریالیستها و عوامل آنها بسیار زیاد است و این تجربه‌ای برای کنفدراسیون و دیگر گروهها و همه ایرانیان میهن دوست مقیم خارج از کشور بود که با اتحاد بزرگ ملی خویش میتوانند این تبلیغات را خنثی کرده و به سهم خویش انقلاب و رهبری آنرا تحکیم نمایند."

انگلیستان «اتحاد»

آن این بود که سپاه پاسداران با تبلیغها هم کاری نمیکردند و با آنها هم دردی نمیکردند و نمی‌خواستند درگیری بوجود بیاید.

مراسم سالگرد...

سعید فاطمی بودند، که در سخنان خود از مبارزات دکتر محمد مصدق بر علیه استعمار انگلیس و ملی کردن صنعت نفت و مبارزه علیه دربار یاد کردند. در سخنرانی اشاره شد که چگونه آن زمان دار و دسته حزب توده دکتر مصدق را وابسته به امپریالیسم معرفی میکردند و سعی در تفرقه در جنبش داشتند.

دکتر سعید فاطمی در بخشی از سخنان خود این گفته مصدق را نقل کرد: "مردان بیدار کشور این مبارزه ملی را آنقدر دنبال می‌کنند تا به نتیجه برسند اگر قرار باشد در خانه خود آزادی عمل نداشته باشید و بیگانگان بر ما مسلط باشند و رشته برگردن ما بگذارند و ما را بهر سو بکشند مرگ بر چنین زندگی ترجیح دارد". سپس از نقش جوانان در انقلاب و نقش جوانان در حفظ استقلال و حراست از مرزهای ایران، انانته ایراد کرد و مراسم با سرود "ای ایران، پایان یافت."

ملی گرائی مترقی که "جبهه ملی ایران" حیمترین بخش آن است، ریشه در تاریخ مبارزات ضد امپریالیستی ایران دارد که همواره همگام با مبارزات استقلال طلبانه مردم میهن ما شکوفان بوده است. جنبش ملی گرائی مترقی در وحدت با دو جریان دیگر اجتماعی اسلام مبارز و سوسیالیسم انقلابی و به ویژه در شرایط کنونی در وحدتی فشرده با اسلام مبارز قادر خواهد بود به اهداف ملی و استقلال طلبانه خود برسد.

ما ضمن تبریک سی‌امین سالگرد "جبهه ملی ایران" موفقیت و وحدت هر چه بیشتر آن را با دیگر نیروهای ملی استقلال خواه آرزو می‌کنیم.

هفته نامه
رنگان مرکزی سازمان انقلابی
مدیرمسئول - علی حجت
سرمدیر - فرامرز وزیر
نشانی: خیابان مصدق، پانزدهم تیر
از میدان ولی عصر، خیابان زمره
پلاک ۷ تلفن: ۶۴۲۹۱۴
نشانی پستی: تهران، صندوق پستی ۱۴۰۱-۳۱۴
جواب کس

«اتحاد بزرگ ملی»

راه پیمائی جمعه در مشهد



غریب فریادهای رسای وحدت طلبی مردم خراسان در راهپیمائی وحدت روز جمعه به پشتیبانی از امام، خیابانهای شهر مشهد را به لرزه درآورد. بار دیگر تودههای میلیونی مردم میهن ما رهبرشان را تأیید نمودند و بامشتهای گره کرده خشم فروخورده چند ماهه شان را که از توطئه‌های ابر قدرتهای آمریکا و شوروی و نوکران سرسپرده آنها، در سینه‌هایشان تلنبار شده بود بیرون دادند. آنها شعار میدادند:

آمریکا - شوروی مرگ به نیرنگتان
خون شهیدان کرد میچکد از جنگتان
مردم سراپا خروشنده چون سیلاب عظیم،
خیابانها را فریاد زنان درنوردیدند. آنها برای هرچه فشرده تر شدن صفوف اقشار و طبقات خلق و ملیتهای گوناگون میهنمان ایران شعار میدادند:

کرد و بلوچ و لر و ترک و عرب زبان را
بگو که وحدت ما راه سعادت ماست.

توطئه‌گر، وای بروزی که شود شعله‌ور
آتش خشم ملت، کینسه ور

سازمان انقلابی (بخش خراسان) نیز زیر پرچم ستاد «اتحاد بزرگ ملی» (بخش خراسان) (مشتمل بر سازمان انقلابی - سازمان اتحاد مبارز ... سازمان جوانان انقلابی، جمعیت زنان، انجمن ملی دانشجویان، کانون رزم دانش آموز) و سایر نیروهای استقلال طلب در این راهپیمائی شرکت کرده و اولین برنامه مشترک خود را با دیگر نیروها با موفقیت به پایان رسانید. شعارهای «ستاد» در این راهپیمائی عبارت بودند از:

— نه آمریکا، نه روسیه، زنده باد ایرانی مستقل و منکی به خود!
— درود بر امام خمینی رهبر انقلاب اسلامی ایران!
— زنده باد وحدت خلقهای ایران تحت رهبری امام خمینی!

این شعارها با موافقت دفتر تبلیغات حزب جمهوری اسلامی آقای تمدن روی پارچه نوشته شده بود.

در ابتدای حرکت ما وقتی مردم میدیدند که نیروی دیگری بغیر از حزب جمهوری اسلامی و سایر نیروهای اسلامی در این راهپیمائی شرکت کرده‌اند فوق‌العاده خوشحال میشدند و راجع به «اتحاد بزرگ ملی» از ما توضیح میخواستند و توضیح ما راجع به لزوم اتحاد سه نیروی اسلام مبارز، ملی گرائی متزقی و سوسیالیسم انقلابی و لزوم مبارزه متحد علیه دو ابرقدرت و عمال داخلی آنها را بسیار روئی گشاده می‌پذیرفتند و در این خصوص بویژه ماورین انتظامات و روحانیون وهمچنین افغانی هائی که بطور وسیع در راهپیمائی شرکت نموده بودند، از شعار نه آمریکا نه روسیه با شور خاصی طرفداری مینمودند. واقعیت اینست که این شعار راستین و استراتژیک، علیرغم تمام کار- شکنی‌ها و لجن‌پراکنی‌های عوامل دو ابرقدرت و بویژه کمیته مرکزی و سایر چپ‌نماها و چپ‌روها به شعار توده‌ای و سرتاسری تبدیل شده که تا

تمام در صفحه ۷

گفتگو با

نماینده بنیاد مستضعفین در گرگان

«حدود ۵ الی ۶ ماه بعنوان کارشناس کشاورزی در گنبد و کلاله و ساری فعالیت داشتم و هم‌اکنون در گرگان ادامه میدهم. مهمترین مسأله‌ای که هم‌اکنون ما با آن روبرو هستیم مسأله کسانی است که آگاهانه یا نا آگاهانه در کارهای ما اختلال میکنند بهانه جوئی میکنند و سعی میکنند چوب لای چرخ کارها بگذارند. درست است که صاحبان امتیاز و مالکین بزرگ‌زراعتی دستشان کوتاه شد ولی هنوز در همین سازمانها و قطبهای کشاورزی بقیه در صفحه ۶

* هنوز صاحبان امتیاز و مالکان بزرگ در قطبهای کشاورزی اختلال میکنند

* باید انحصارطلبی را کنار گذاشت، نباید فکر کرد که فقط خودمان درست میگوئیم

بعد از پیروزی انقلاب به دستور امام و شورای انقلاب، بنیاد مستضعفان تشکیل گردید و هدف آن مصادره املاک کشاورزی، صنعتی و اجرائی عوامل رژیم سابق و خاندانش بود. به همین منظور شورای انقلاب افرادی را برای سرپرستی و نظارت جهت آنچه را که شناسائی میشود به مناطق مختلف فرستاد که این املاک را که از بیت‌المال بدست آمده بود ببنفع مردم صرف کنند.

همانطوری که میدانید ایادی رژیم سابق و خاندانش در منطقه گرگان و مازندران دارای زمینهای زراعتی زیرکشت زیادی بودند که به همین خاطر کارشناسان و نمایندگانسی جهت سرپرستی به این منطقه فرستاده شدند. یکی از کارشناسان با تجربه کشاورزی که این وظیفه سنگین را قبول کرده، آقای مهندس علی ملکی میباشد. ایشان از نمایندگان فعال و دلسوزی

انگلستان

«اتحاد بزرگ ملی» در دفاع از جمهوری اسلامی

بدسال اطلاعاتیه کفدراسیون جهانی محصلین و دانشجویان ایرانی درباره دستگیری عده‌ای از ایرانیان میهن‌دوست خارج از کشور، با دفتر نمایندگی کفدراسیون در ایران تماس گرفته و پای صحبت یکی از اعضای کفدراسیون نشستیم. آقای عباس شریف یکی از مسئولین دفتر کفدراسیون جهانی محصلین و دانشجویان

شوروی : (۲۹)

کشوری امپریالیستی

شوروی و ویتنام (۱)

مبارزات خلقی ویتنام علیه امپریالیسم آمریکا از چند مرحله گذشت. مرحله اول، مرحله مقاومت در مقابل «جنگ ویژه» آمریکا بود که از سال ۱۳۴۰ تا ۱۳۴۳ ادامه یافت. در این مدت امپریالیسم آمریکا به کمک ارتش دولت دست نشانده ویتنام جنوبی بیش از ۱۰ میلیون دهقان ویتنامی را در ۱۶ هزار اردوگاه زندانی کرد تا نیروهای ارتش آزادی بخش پایگاه خود را از دست بدهند. بعد از شکست این برنامه امپریالیسم آمریکا طرح «جنگ محلی» یا «جنگ محدود» را توسط نیروهای نظامی خودش به مرحله اجرا گذاشت. در طی مدت سه سال یعنی از ۱۳۴۴ تا ۱۳۴۷ نیروهای نظامی ارتش آمریکا در خاک ویتنام به ۵۰۰ هزار نفر رسید. اما امپریالیسم آمریکا که حتی این نیرو را برای در هم شکستن ارتش آزادی بخش ویتنام کافی نمی‌دید از نوکران دیگرش در نیمه مستعمرات هم کمک گرفت و گروه‌کثیری از سربازان کره جنوبی، استرالیا، فیلیپین و تایلند نیز به ویتنام فرستاده شدند به طوری که در سال ۱۳۴۶ زنهال‌های مستعمراتی آمریکا در ویتنام بیش از یک میلیون و دویست هزار سرباز در اختیار داشتند (رجوع شود به مقاله «پیکاری سخت، بخرنج و طولانی، اما پیروزمند»، از نشریه «ستاره سرخ» شماره ۲۴ سال سوم، بهمن ۱۳۵۱).

علاوه بر این نیروی هوائی آمریکا با تمام قدرت خود به بمباران خاک ویتنام شمالی و جنوبی پرداخت. اما این برنامه استعماری آمریکا نیز با شکست کامل مواجه گردید و ارتش آمریکا با برجا گذاشتن بیش از ۵۰ هزار کشته و دهها هزار زخمی و خرج کردن بیش از ۱۵۰ میلیارد دلار بالاخره مجبور به عقب نشینی و خروج از خاک ویتنام گردید. طولی نکشید که خلق ویتنام با سرتگون کردن دولت دست نشانده آمریکا در جنوب ویتنام پیروزی نهائی را به دست آورد. (۱۳۵۴)

حال ببینیم نقش سوسیال امپریالیستها در این مدت در ویتنام چه بوده است. مناسبات دار و دسته برژنف - کاسیگین را با انقلابیون ویتنام می‌توان شامل دو مرحله دانست: مرحله اول، مرحله کوشش سوسیال - امپریالیستها برای جلوگیری از بسط مبارزات مسلحانه است. در این دوره امپریالیسم روسیه می‌کوشید تا جای پائی در میان امپریالیستهای جهان‌خواه برای خود باز کند و باین خاطر سیاست پشتیبانی از دولت‌های دست نشانده فاشیستی و کمک به آنها در سرکوبی جنبش‌های انقلابی خلقها را دنبال می‌کرد. بعنوان مثال دولت فاشیستی اندونزی که صدها هزار نفر از کمونیستهای اندونزی را در ظرف مدت کوتاهی قتل عام کرده بود تنها تا سال ۱۳۴۸ بیش از ۱/۲ میلیارد دلار اسلحه از دار و دسته برژنف - کاسیگین دریافت کرد (رجوع شود به پکن انفرمسیون، شماره ۲۰ سال ۱۹۶۹).

در این دوره سوسیال امپریالیستهای روسیه از یکطرف از پیشرفت‌های ارتش آزادی بخش ویتنام وحشت داشتند و بیم آن داشتند که مجبور شوند به خاطر آن در مقابل امپریالیستهای کهنه کار آمریکائی بایستند و از طرف دیگر جمهوری خلق چین زیر پرچم انتر ناسیونالیسم پرولتری قاطعانه به پشتیبانی از جبهه آزادی بخش ویتنام پرداخته بود و خلق ویتنام نیز چنان در مقابل جنایات ارتش تجاوز کار امپریالیسم آمریکا، قهرمانی از خود نشان داده بود که حتی بعضی از کشورهای امپریالیستی تحت فشار خلقهای کشور خود مجبور به کمک به جبهه آزادی بخش ویتنام شده بودند. بنابراین سوسیال امپریالیستهای روسیه بالا جبار سیاسی دو گانه را در پیش گرفتند. از یک طرف با تظاهر به اینکه پشتیبان جبهه آزادی بخش ملی ویتنام هستند و با دادن کمک محدودی کوشیدند تا خود را دوست و پشتیبان خلق ویتنام نشان دهند و از طرف دیگر با محدود کردن کمک‌های خود به جبهه آزادی بخش و کوشش در قانع کردن انقلابیون ویتنام به نشستن پای میز مذاکره با امپریالیستها کوشیدند تا هم با امپریالیسم آمریکا از در دوستی در بیایند و هم اینکه از پیشرفت سریع مبارزات قهر آمیز خلق ویتنام جلوگیری کنند. آقای نور دوم سهیانوک رهبر سابق جنبش آزادی بخش خلق کامبوج در مصاحبه‌ایکه در زمستان ۱۳۵۰ (۲۵ دسامبر ۱۹۷۱) داشت در این باره گفت:

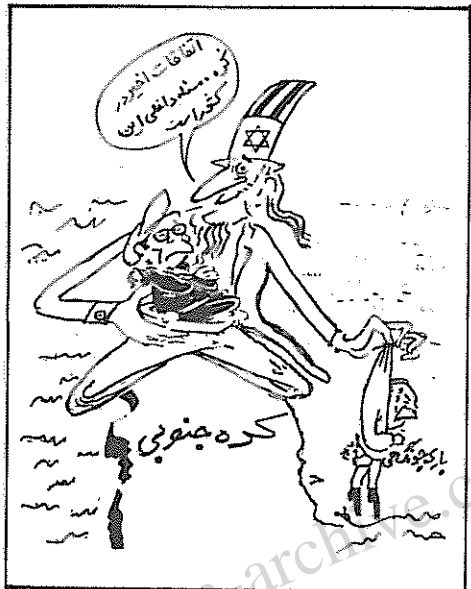
«... من دیدهام که شورویها چه چیزهائی به ویتنام شمالی می‌دهند. هواپیما، موشک، لوازم موشکی - این سلاحها مدرن نیستند، روسها به هانوی (ویتنام شمالی) یک چهارم آن چیزی را که به مصر داده‌اند هم نداده‌اند. چرا؟ زیرا روسها نمی‌خواهند هانوی پیروز شود. کمک‌های آنها در حدی است که ویتنامی‌ها جنگ را نیازند ولی نه در حدی که جنگ را ببرند...» (رجوع شود به کتاب «همسایه شمالی، گرگی در لباس میش»، صفحه ۸۸) . به جای کمک به ارتش آزادی بخش ویتنام دار و دسته برژنف - کاسیگین تمام نیروی خود را بکار بردند تا بی نتیجه بودن این مبارزات را اثبات کنند و مبارزین ویتنامی را به پای بقیه در صفحه ۷

بیرند ... (رجوع شود به کتاب " همسایه شمالی ، خرمی در لباس مینس " صفحه ۸۸)
 به جای کمک به ارتش آزادی بخش ویتنام دار و دسته برژنف - کاسیگین تمام نیروی
 خود را بکار بردند تا بی نتیجه بودن این مبارزات را اثبات کنند و مبارزین ویتنامی را به پای
 بقیه در صفحه ۷

آمریکادار گره جنوبی مهره عوض میکند

طبق خبر خیر گزاریهها در روز شنبه ۵۸/۸/۵ " پارک " رئیس جمهور گره جنوبی توسط رئیس اطلاعات گره و نماینده سازمان اطلاعات مرکزی آمریکا (سیا) کشته شد . از کم و کیف قضیه اطلاع درستی در دست نیست ولی این حادثه و یا کودتا در زمانی اتفاق افتاده که جنبش مردم گره جنوبی اوج تازه ای یافته است .

طبق خبر آسوشیتد پرس از هفته گذشته ۲۷ و ۲۸ مهر ماه جنبش در شهر " ناسان و پوسلن " در جنوب گره جنوبی اوج گرفت . در این مبارزات دانشجویان ، کارگران و مردم فقیر شهری شرکت وسیع داشتند و در این مدت ارتش در شهرهای کوچک اطراف و این دوشهر که بعد از ستول پایتخت گره جنوبی از بزرگترین شهرهای این کشور هستند ، مستقر شده و حکومت نظامی از ساعت ۱۰ شب الی ۵ صبح برقرار گشته است . در این درگیریها بیش از ۷۰۰۰ هزار نفر دستگیر شده و جنبش سخت از طرف ارتش به خون می تپید . مردم شعارهای سرنگونی حکومت را فریاد می کشیدند .



تحصن و راه پیمائی دیپلمه های بیکار همدان

* یک پاسدار : من هم دیپلم هستم ولی به خاطر انقلاب می سازم
 * یک دیپلم بیکار : ما ضد انقلاب نیستیم ، ما فقط کار می خواهیم
 * نماینده امام : ما انقلاب کرده ایم برای آزاد شدن از شرق و غرب . بنابراین مواظب گروههای منحرف باشید

دیپلمه های بیکار همدان
 روز پنجشنبه ۲۶ مهر ساعت ۳ بعد از ظهر جلوی استانداری در حدود ۱۵۰ نفر از دیپلمه های بیکار تحصن کرده بودند و خواستار کار بودند .
 در میان متحصنین چند تا از طرفداران چریکها ، چند نفر از افراد سازمانهای مذهبی و تعدادی هم از لومین های مذهبی نمای بودند . از طرف سپاه پاسداران هم آمده بودند و دو سرگرد شهربانی هم آنجا حضور داشتند .

منتشر شد

فاجعه بندر انزلی و نقش چپ نماها

یکی از پاسداران که جوان خوبی است به دیپلمه ها می گفت این کار شما فایده ندارد . من هم دیپلم هستم و دست کرد جیبشود پیلم خود را در آورد و گفت من هم مثل شما هستم ولی به خاطر انقلاب می سازم . یکی از دیپلمه ها گفت بابا ما گرسنه هستیم و گرسنگی این حرفها را بر نمی دارد . ما حاضریم ما را بفرستند جهاد سازندگی (روزی ۶۰ تومان) کار کنیم تا زمانی که دولت برای ما کار درست کند . آن جوان پاسدار خیلی کوشش کرد که اینها راه پیمائی نکنند . دیپلمه ها به او گفتند بابا مگر فکر می کنید فقط شماها در انقلاب شرکت کردید . مگر ما نبودیم و حالا که کار می خواهیم فکر می کنید که ما ضد انقلاب هستیم . نه ما ضد انقلاب نیستیم ما فقط کار می خواهیم .
 سرگرد شهربانی می گفت : راه پیمائی شما درست نیست . می دانید چرا ؟ چون امام دستور داده . ممکن است درگیری بوجود بیاید . بقیه در صفحه ۷

کارشناسان با تجربه کشاورزی که این وظیفه سنگین را قبول کرده ، آقای مهندس علی ملکی میباشد . ایشان از نمایندگان فعال و دلسوزی هستند که تمام وقت خود را صرف رسیدگی به این بنیاد نموده است . ما بخاطر آشنائی بیشتر با اهداف این بنیاد و کارهایی را که تا بحال انجام داده اند و مشکلاتی را که تا بحال با آن روبرو بوده اند ، سعی کرده ایم گزارشی تهیه نمائیم که در " رنجبر " منعکس گردد که شاید رنجبر هم بتواند در پیشبرد کارها موثر واقع افتد . ایشان صحبتش را اینطور شروع کرد :

برنامه دولت و رشد صنایع ملی

آقای احمد زاده وزیر صنایع و معادن در یک مصاحبه مطبوعاتی اعلام کرد که سیاست صنعتی دولت کاملا مشخص شده است و بر اساس این سیاست دولت از بخش خصوصی واقعی حمایت خواهد کرد . او اضافه کرد که صنایع کشور به طور متوسط با ۷۰ درصد ظرفیت کار می کند که تنها به علت کمبود مواد اولیه به ۱۰۰ درصد نرسیده است .
 " بخش خصوصی واقعی " ، برای توسعه اقتصاد ملی باید تقویت شود . این بخش نماینده مناسبات سرمایه داری ملی ایران است و شکوفائی آن به رشد اقتصاد ملی خواهد انجامید . وزیر صنایع و معادن اشاره کرده است که فقط صنایع ذوب آهن ، نورد گرم ، اتومبیل سازی و کشتی سازی ملی خواهند بود .
 به طور کلی آن رشته هایی از اقتصاد که می توانند زندگی میلیونها نفر از مردم را کنترل کنند بهیچ وجه نباید بدست بخش خصوصی وا گذار شوند . همچنین درباره مناسبات اقتصادی با کشورهای دیگر نیز باید جامعه ما به سوی قطع وابستگی و دستیابی به استقلال اقتصادی گام بر دارد . بسیاری از بند های وابستگی گسسته شده است و بسیاری از صنایع و دیگر واحدهای اقتصادی به رکود و تعطیل کشیده شده اند که باز سازی آنها نیاز به امکانات مالی و فنی فراوان دارد .
 جندی پیش دولت از طریق بانک مرکزی ۸۵ میلیارد ریال وام در اختیار صاحبان صنایع برای بکار افتادن واحدهای تولیدی داد که متأسفانه بخش مهمی از آن به علت نداشتن وثیقه از سوی بخش خصوصی جذب نشد که لازم است دولت در مورد شرایط اعطای این وامها تجدید نظر نموده و اساس سیاست های اقتصادی خود را بر مبنای رشد اقتصاد ملی قرار دهد .

خطر جنگ جهانی و بحران انرژی

واشنگتن - رویتر - کمیته مشترک اقتصادی کنگره آمریکا پیش بینی کرده است که میزان تولید نفت شوروی طی سالهای دهه ۱۹۸۰ کاهش خواهد یافت و کشور های بلوک روسیه به نفت وارداتی نیاز پیدا می کنند . در بررسی کنگره آمریکا همچنین آمده است که در نیمه اول سال جاری دولت شوروی تنها ۲/۷ درصد تولید نفت خود را بالا برده ولی باز هم این رقم نسبت به متوسط تولید طی سالهای ۱۹۷۱ تا ۱۹۷۵ خیلی پائین تر است . در عین حال در شش سال گذشته هیچ گونه حوزه بزرگ نفتی در شوروی پیدا نشده است .
 با توجه به بحران انرژی حادی که گریبان مجموعه سیستم امپریالیسم را گرفته است و همچنین با توجه به رقابت افسارگسیخته آمریکا و شوروی برای سلطه جوئی بر جهان باید سالهای آینده را سالهای شدت یابی مسئله انرژی و حاد شدن هر چه بیشتر رقابت دوا بر قدرت نامید . رقابتی که جنگ سوم جهانی را در پیش خواهد داشت .
 روسیه امپریالیستی خواه نا خواه برای دستیابی به منابع جدید انرژی به منطقه خلیج فارس و دریای سرخ هجوم خواهد برد و این امر شاهرگ حیات امپریالیسم غرب را به مخاطره خواهد افکند و راهی جز جنگ نمی ماند .
 اما این جنگ خانمانسوز را تنها به یک وسیله می توان پیش گیری کرد و آن دامن زدن به امواج طوفانزای انقلاب و مبارزه علیه دوا بر قدرت در جهان است . تنها نیروی توده های وسیع خلقها و ملل مستعبدیده جهان قادر به جلوگیری از جنگ و در صورت وقوع جنگ قادر به واژگون نمودن سیستم امپریالیستی است .

انتشارات سازمان انقلابی
 تاریخ ۵۸/۸/۲